


سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۰ صفحه

۴۵

پیکار



ما به همراه تمام نیروهای انقلابی و خلقهای مبارز
میهنمان توطئه‌کشناز فرزندان دلاور خلق ترکمن
را که بدست عوامل ارتجاع و امپریالیسم
صورت گرفته است محکوم می‌کنیم!

دوشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۵۸ بهار ۲۵ ریال

بنی صدر: منطق چماق و نان شیرینی

تحقق بخشید و اشغال بست ریاست توری انقلاب و فرماندهی کل قوا مواضع او را در مجموعه هیئت حاکمه تثبیت و تقویت نمود. اکنون به یقین می‌توان گفت که و نیرومندترین و موثرترین فرد هیئت حاکمه است. بویژه آنکه آیت الله خمینی بدلیل سفید در صفحه ۱۱

بنی صدر، بیامی میری دروغین با انسانی از وعده و وعید و اعتمادا دین نفسی مخصوص به خود، اکثریت عظیمی از توده‌های ناآگاه و متوهم را به بیعت با خود فراخواند. پس از کسب مقام ریاست جمهوری، همچنان فله‌های قدرت را یکی پس از دیگری درمی‌نشورد. کسب مقام رئیس جمهوری، آرزوی ۳۰ ساله او را

محاكمه محمد تقی شهرام در آستانه انتخابات توطئه‌ای پیش نیست

صفحه ۱۵

تجاریبی از کار توده‌های انقلابی در میان کارگران

صفحه ۳

کشتار رهبران زندانی خلق ترکمن فقط "ده درصد قاطعیت" است!

هیئت حاکمه میل از اینک ترکمن محراب را ریزش بکشد، نمایندگان خلق ترکمن را شانه می‌ریزد. رفقا! نوح، مختوم، واحدی و جراحی درست قبل از راه‌پیمایی مردم، یعنی شب ۱۹ بهمن سه وسیله با سداران روده‌و به تهران اعزام می‌شوند. با سداران کشید روز قتل از راه‌پیمایی، اعلامیه‌ای مادمی کنند و در آن خلق ترکمن را تهدید می‌کنند سفید در صفحه ۲

خلق ترکمن داغدار است. چرا که ارتجاع حاکم بیکرش را بچون کشیده است. خلق ترکمن زیاد است. چرا که دهنها نغز از فرزندان دلاور و شجاع افتاده اند. خلق ترکمن خشمگین است، چرا که خشم طبقاتی اش را در وجود هیئت حاکمه بیرونی مشاهده می‌کند. این ارتش کیست که این چنین خانه‌ها را به توب می‌سند؟ این پاسدار چیست که این چنین بیرحمانه بزرگ و کوچک و بیروخوان را نابود می‌کند؟

گزارشی از سیل خوزستان: خوزستان در آب است، "شورای انقلاب" در خواب است!

صفحه ۸

گزارشی از: میتینگ انتخاباتی سازمان

صفحه ۱۶

انقلاب فوریه روسیه و درسهای آن برای کارگران و زحمتکشان

صفحه ۱۰

رسانا بست سالگرد انقلاب فوریه (۱۹۱۷)

- ★ معرفی کاندیدای سازمان در بند رانزلی صفحه ۱۹
- ★ چرا رژیم جمهوری اسلامی از انقلابیون می‌ترسد؟ صفحه ۱۷
- ★ سازمان "سیاسی ایدئولوژیک" توطئه ای دیگر برای تفتیش عقاید در درون ارتش صفحه ۱۶
- ★ مبارزه قهرمانانه کارگران مینو صفحه ۹
- ★ از معلمین متحصد در سراوان پشتیبانی کنیم صفحه ۷
- ★ چرا ما در ستاد مشترک نیستیم! صفحه ۶
- ★ ارتجاع از خوف زحمتکشان نمایندگان را می‌ریاید صفحه ۴
- ★ دسیسه های سرپرست و مقاومت کارگران استیود ورینگ صفحه ۳

کارگران! زحمتکشان! هموطنان مبارز و نیروهای انقلابی و مترقی! برای تقویت صف نیروهای خلق به کاندیداهای ما رأی دهید!

کشتار فجیع چهار نماینده زندانی خلق ترکمن در تهران

روزنامه جمهوری اسلامی ۵۸/۱۱/۲۲

آرامش در گنبد

- در وقایع گنبد ۱۰۰ تن زخمی و ۵۰ نفر کشته شدند.
- توماج یکی از رهبران فدائیان همراه سه تن دیگر دستگیر و به تهران اعزام شد

روزنامه اطلاعات ۵۸/۱۲/۵

۴ عضو ستاد خلق ترکمن به ضرب گلوله کشته شدند

بجنورد خبرنگار اطلاعات اجساد چهار نفر از اعضای ستاد خلق ترکمن در ۱۲۰ کیلومتری غرب بجنورد کشف شد.

هویت کشته شدگان
سراز معاینه اجساد مشخص شد که آنان برادر اهلیت گلوله کشته شده اند. از سوی دیگر یکی از پرستاران بیمارستان که اهل گنبد کاووس است، یکی از اجساد را شناسایی کرد و هویت وی را متوابع محمد واحدی بیان نمود. بدینال این شناسایی و در

بیتاس از پرس و گوید، بستگان کشته شدگان بجنورد آمده و هویت متوابعین باین شرح مشخص شد: ۱- تواب محمد دادستان سابق پندر هاب، عضو شورای شهر گنبد و عضو ستاد خلق ترکمن. ۲- عبدالعظیم توماج دبیر لیسانس و عضو ستاد خلق ترکمن. ۳- درخشنده توماج لیسانس، عضو ستاد خلق ترکمن و نماینده این ستاد در فرمانداری گنبد. ۴- جرجانی لیسانس و

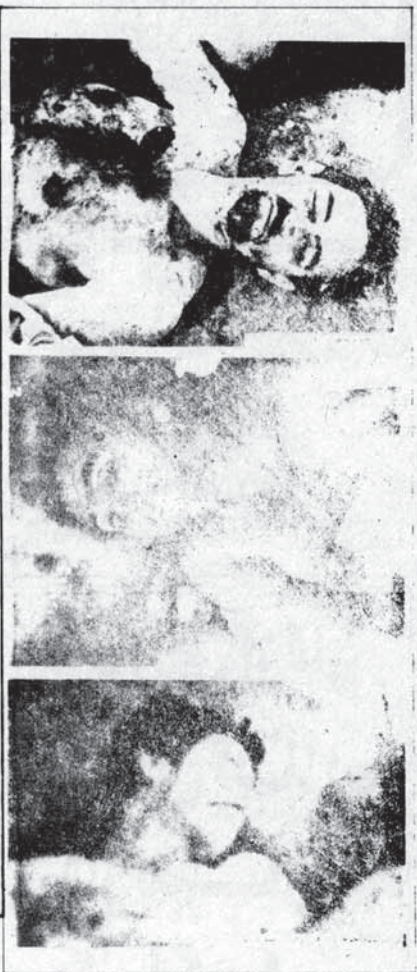
هما نظور که ملاحظه می کنید، دوسریه روزنامه یکی از روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۵۸/۱۱/۲۲ و دیگری از اطلاعات مورخ ۵۸/۱۲/۵ می باشد.

روز ۱۸ بهمن ماه یعنی یک روز قبل از وقایع اخیر کتبد، چهارتن از نمایندگان خلق ترکمن توسط پاسداران حامی سرما به دارو زمین دار در گنبد دستگیر و به تهران اعزام میشوند. تا گفته پیدا است که این چهارتن بهیچوجه نمی توانستند از زندان جمهوری اسلامی در تهران، در وقایع کتبد نقشی داشته باشند. لکن جلادان ارتجاع این چهارتن را که مورد اعتماد خلق ترکمن بوده و نمایندگی شان را رسیده داشتند، تا جوان سردانه و با شیوه ای فاسد سنی بقتل میرسانند.

روزنامه اطلاعات مورخ ۵۸/۱۲/۴ از کتبه شدن نمایندگان خلق ترکمن و پیدا شدن جسد هایشان در ۱۲۵ کیلومتری غرب بجنورد خبر می دهد! یعنی اسرائیلی که طبق گواهی خود جلادان، در زندان تهران بوده اند، چند روز بعد جسدشان در ۱۲۵ کیلومتری غرب بجنورد پیدا می شود!

ما همراه با خلق داغ دیده ترکمن، این جنایت کتبد و اعمالان جنایتکاران در هیئت حاکمه را بقتل محکوم می کنیم و از هم میهنان ما را خود میخوانیم که از زنده نهدن تا با ردیگر جنایات کتبد بیلوی این بار تحت لوای مذهب تکرار شود.

یادشدهای ترکمن گرامی باد!
شک و نفرت بر ارتجاع!



سند رصفحه ۱ کشتار رهبران...

که خلوی راه پیمانی شان را خواهند گرفت. این علامه تپید اما سر با امقای دادستانی در سطح شهر مستقر می شود. روزها به پیمانی او با شان حکومتی و خیره خواران حزب جمهوری اسلامی همراهی عده ای پاسدار، بقصد اخلاص در راه پیمانی مردم، توطئه و تحریکات خود را شروع می کنند. ابتدا با سنگ و چوب و سپس رنگارنگی و مملکتها باین به صدا در می آید. خلق به دفاع بر می خیزد و ارتش با تانک و توپ و خمپاره به کمک پاسداران شرافتمند و پختهای ترکمن - نشن کنند با این وراکت و خمپاره به ویرانه های بدل می سازند. نتیجه: دهها کشته و صدها زخمی و هزاران نفر آواره، هدیه ای است از طرف رژیم جمهوری اسلامی ایران به خلق شتمند ترکمن! با بقول آقای بنی صدر "ده در صد از فاطمیت رژیم!" لکن این جنایات بهمن جا خاتمه نمی یابد.

چهار نفر از نمایندگان خلق ترکمن که در زندان اوین و در اسارت رژیم جمهوری اسلامی ایران بودند بقتل می رسند و اجسادشان در کناره راه بین کتبد

لکن وقتی که این آقایان مرتجع متوجه شدند کتبه توده های آگاه به بی حقیقت ما چرا برده اند، بسیار مدعی شدند که گویا عده ای مسلح تقاضای زنده اندن اینان حمله کرده و آنها را برده اند! البته برای اینکه این دروغ را بهر ترتیبی که شده به مردم بقبولانند، دست به اختراع گروه موهومی بنا "فدائیان خلق

و بجنورد دید می شود. طبق اطلاع متوابع، جوپاسی که در تپه های اطراف جاده مشغول چرای گوسفندانش بوده، آمبولانسی را دیده که اجساد در آن محل رها کرده اند. آدمکشان جمهوری اسلامی، اگر چه جنایت بیستی را از اوک با خوبی آموخته اند، لکن هنوز در برده بوشی جنایات خود مهارت لازم را ندارند و

● سخنگوی سپاه پاسداران ابتدا مدعی شد که چهار رهبر شهید ترکمن در جریان درگیری گنبد کتبه شده اند. بعد که متوجه شدند دروغشان نگرفته است، گفتند در حمله به ماشین پاسداران این چهارتن روده شده اند! بعد هم به اسم گروه موهومی بنام "فدائیان خلق ترکمن" اعلامیه دادند. اما برش خلق این است اگر راست میگویند چرا بلافاصله پس از روده شدن این چهارتن آنرا اعلام نکردید؟!

ترکمن "میزنند و اعلامیه های معمولی را منتسب به این گروه" در روزنامه ها بجا می میرانند. لکن نامه جمهوری اسلامی در این میان بیش از همه اصرار دارد که این گروه "خود ساختار علم کنند. ما این جنایت کاران فقط به یک سوال جواب دهند: چرا همان موقع که نمایندگان به آنها حمله کردند و چهارتن را برودند خبر آنرا اعلام نکردند؟! آنچه مسلم است، سپاه پاسداران و خامنه ای عامل اجرای این توطئه کتبد بوده اند، جنایتی

چنین است که با تناقض گوئی های ناشیانه ای، خود را لوم می دهند.

سخنگوی سپاه پاسداران ابتدا مدعی می شود که این چهار زندانی، به گنبد با زوردا ندهنده و سپس گویا در درگیری کتبد کتبه شده اند. آنجا که دروغگو کم حافظه نیز هست، این آقای سخنگو فراموش می کند که زمانی که نمایندگان خلق ترکمن در زندان وین بودند، طبق گفته هیئت حاکمه درگیری های کتبد تا تنه ای فتوشهر در اختیارش جمهوری اسلامی بوده است (روزنامه جمهوری اسلامی ۵۸/۱۱/۲۵)

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



دسیسه‌های سرپرست و مقاومت کارگران استیودورینگ

از روز سه شنبه ۲۳ بهمن شمی بنام اسلامزاده از طرف دادگاه انقلاب و سپاه پاسداران سرپرستی شرکت استیودورینگ گماشته میشود. شخص مذکور پس از شروع کار بخشهای ما در کرده و طی آن مطرح می کند که من از موقع تحویل کار مسئول بوده و کاری به طلب گذشته کارگران از شرکت ندارم.

کارگران که ما به الحاق و تفویض (یک پی) حقوق خود را از اول فروردین ماه تا امروز دریافت نکرده بودیم بودند در مقابل این بخشها از خود عکس العمل نشان داده و روز چهارشنبه ۲۴ بهمن دست از کار کشیده و اعلام اعتصاب کردند.

در نتیجه اعتصاب کارگران امرتخلیه و سایر کبری کشنی ها متوقف شد. کارگران پس از تعطیل کار از محوطه بندر خارج شده و به دفتر مرکزی شرکت واقع در خیابان فردوسی رفتند. تحت فشار کارگران مقامات محلی بخشها را جمع آوری و میکنند اما کارگران به این امر اکتفا نکرده و خواستار استعفا ی سرپرست شدند. در نتیجه فشاری کارگران مسازر استیودورینگ سرپرست شرکت مجبور به استعفا شد.

کارگران مبارزانما بنده فرمانداری میسی - خواجه کده با شهران تماس گرفته و رسولی رئیس انجمنی شرکت استیودورینگ را از اعتصاب کارگران و خواسته های آنها مطلع سازد. اعتصاب کارگران کماکان ادامه دارد.

دو خواست اساسی کارگران مبارز شرکت استیودورینگ خرمشهر عبارتند از:

۱ - رسمی شدن و تقویت کارگران زیربوستی اداره بندر.

۲ - پرداخت ما به الحاق و تفویض (یک پی) حقوق از اول فروردین ماه تا بهمن ۵۸.

پیروزی دما رزاق طلبانه کارگران ایران!

(سپل از کمیته محلی سکار کمیسر خوزستان شماره ۱۱).

سودنما تبلیغ و فشاری زیبا و اوزا کندش کردید. بعد از این جریان بود که آنها بیش از پیش منفر و منزوی شدند.

در این میان کارفرما نیز با کمک جاسوسان نتوانسته بود در پی آنها را در میتینگهای نیروهای انقلابی بگیرد. ولیست تعداد زیادی از روشنفکران و کارگران پیشرو را برای اخراج تنه نمودند. بنا اخراج دوتن از روشنفکران (به بهانه غیبت زیاده و غیرموجه). بقیه روشنفکران و کارگران جدید دست به اعتراض می زنند، اما پس از مدتی توسط برخی از کارگران از سالن بیرون رانده میشوند و از آن پس بعد از کارخانه نیز از شان نمی دهند. از آن پس کوششهای آنها برای بازگشت به سرکار شروع میشود.

تجاریبی از کار توده‌ای انقلابی در میان کارگران

را دوست می داشتند. کارگران این کارخانه حتی در دوران قیام که بسیاری از کارخانه‌ها در تلب اعتصاب می سوخت، تنها ۱۵ روز تعطیل شده بودند. با ورود روشنفکران و چند کارگر جدید که در حدود ۱۰۰ نفر می شدند، جو کارخانه بکلی تغییر کرد. خواسته‌هایی که کارگران جدید مطرح می کردند، کارگران قدیمی را به تعجب و امید داشت. بطوریکه کارگاههای اظهار می کردند: "جدیدی ها جقدر بر توقع

بدنیال نکست می چریکی، می ای که بجای بردن آگای های ترویجی و تبلیغی (سوسیال دموکراتیک) درون جنبش طبقه کارگر و سوسیال آن، عناصر پیشروی طبقه کارگر را نیز از کارخانه بیرون کشیده و به چریک حرفه‌ای تبدیل میکرد. بسیاری از روشنفکران انقلابی بمنظور تماس با جنبش کارگری و انجام کارها هکرانه توده‌ای انقلابی به درون کارخانه‌ها روی می آوردند. اما برخی از آنها بعلت

- با وجود یک بسیاری از روشنفکران انقلابی جامعه ما با جنبش چریکی و جدا از توده مرزبندی نموده اند، اما بعلت نداشتن درک درستی از مضمی توده‌ای انقلابی همچنان اعمالشان جدا از توده میباشد.
- مادامیکه روشنفکران ما همچنان با دید نجات بخشند، توده‌ها بدون توجه به این واقعیت که از توده‌ها نیز باید آموخت - میان آنها میروند، نمیتوانند موفقیتی بدست آورند.
- پیشاهنگ واقعی باید با توجه به وضعیت توده‌ها و ارزیابی از خواسته‌ها و نیازهای آنان همگام و تنها یک قدم جلوتر از آنها حرکت کرده و نقش رهبری مبارزات آنان را بعهده بگیرد.
- صحت و سقم یک حرکت در پیروزی و یا شکست کوتاه مدت آن نیست، آنچه مهم است جنبه دراز مدت و اصولی آنست.

هستند". عمده‌ترین اشکال روشنفکران در این زمینه این بود که هیچگونه تلاشی جهت توضیح و توجیه خواسته‌ها و نیز برحق بودن آنها برای قدیمی‌ها و طلبانما دوشنبه‌ای آنان نمیگردد. مسئله قدیمی و جدیدی جزئی بود که از همان روزهای اول مطرح شد و اعمال جدا از کارگران روشنفکران، آنرا از من زده و تشدید میکرد. حرکت‌های دسته جمعی ولی جدا از بقیه کارگران رفقا (رفتن بیش نماینده برای اضافه حقوق، رفتن بیش کارفرما برای گرفتن تعطیلات تابستانی و...) جو کارخانه را متشنج کرده بود و کارخانه دیگر حالت سستی و سکوت قبلی را نداشت. در این میان چپ روی عده‌ای از رفقا، باعث تفرقه بیشتر شد، و آن بخش اعلامیه‌ها شکی بود که در آن شورا را محکوم کرده بود. این اعلامیه بدون در نظر گرفتن شرایط، بدون افشای لازم و کافی شورائی را که مورد قبول اکثریت قریب به اتفاق کارگران بود، ضد کارگری و همدست کارفرما می نامید. یکی دیگر از پیروان چپ و نادرست رفقا، بر خورد با انتخابات شورا بود. زمانیکه شورا بعلت بی اعتبار شدن و شناخته شدن عناصر ضد کارگران قصد تجدید انتخابات را داشت این رفقا بکنفران از میان خود معرفی کرده و بی توجه به خواست و نظر کارگران قدیمی که با این جریان مخالف

نداشتن درک دید درستی از کار درون جنبش طبقه کارگر و نیز کمی تجربه و... در کارخانه نیز بجای بسنج و شکل کارگران بمنظور پیشبرد خواسته‌های صنفی - سیاسی آنها، خود به تنهایی و بجای آنها به مبارزه دست زده و چون از حمایت کارگران برخوردار نشدند تلاشی نشان به شکست انجامید. تجارب و جمعیتی ها شیکه در این زمینه بدست آمده، میتواند به آندسته از رفقای که به امر تماس با جنبش کارگری و توده‌ای همت گمارده‌اند، کمک زیادی بنماید. گزارش زیر که یک مورد از اشتباهات رایج را مورد بررسی قرار داده، بهمن منظور درج میشود.

بدنیال روی آوری روشنفکران انقلابی به تارسیاسی توده‌ای در کارخانه‌ها، تعداد زیادی از این روشنفکران نیز به کارخانه‌ها آمدند. ضعف تشویریک، کمی تجربه، نداشتن درک درستی از کار میان کارگران که در تمام رفقا عمومیت داشت و نیز بدلیل نبودن اغلب آنها در یک تشکیلات منسجم که به اشکالات وضعی آنها برخورد کرده و خط درست را نشان دهد، اشتباهات آنها بتدریج تکرار شد تا به اخراج آنان و گذاشتن تاثیرات درست روی بقیه کارگران منجر گردید. جو عمومی کارخانه ما عقب مانده بود و کارفرمای آن طی سال استثماتروری رفتار کرده بود که عده زیادی از کارگران قدیمی و

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

ارتجاع از خوف زحمتکشان نمایندگانشان را می‌باید!

ضمیمه می‌گردد (۳) بیان می‌کنند. در این روز مسئله حقوق کارگران که طبق قانون خود این دولت باشد روزی ۵۶۷ ریال باشد و یکی از خواسته‌های اصلی کارکنان بود و از طرف عوامل دولتی مورد مخالفت فرار می‌گرفت. تصویب گردید. عسگری به نمایندگی کان می‌گردد که از ایدها این کارگران دل می‌سوزاند. اینها همان کسانی هستند که در جاهای بسیار زندگی کرده‌اند. بزبان زیاد فرقی نمی‌کند که چگونه زندگی داشته‌اند. ما هم دهنده فرزندان محل آنها نیز با بد روزی ده کیلومتر پانزده تا مدرسه طی کنند، تا قدر معانی را دریافته بدانند!!

عسگری که دیگر زست انقلابی ما با نه خود را از دست داده است و کاملاً در مقابل خواسته‌های حقوق کارگران ایستاده، دست به توطئه دیگری می‌زند. کارگران و کارمندان را که در بی‌ایجاد شورای خود بودند با مخالفت عوامل دولتی و عسگری روبرو می‌شوند تا آنجا که سعید مصطفوی (از اعضاء جبهه دانشجویی در کشت و صنعت) می‌گوید: شورا چیست؟ الان تمام ارگانهای سیاسی مردم روبه‌فناست چون دولت دیگر نفع مردم کار می‌کنند!! و دیگر احتیاج به ارگان‌های مردمی نیست و در رأی‌بردن‌های مصطفوی مدبرعامل (عسگری) تا کی می‌کند. ما ها که اینجا نشسته‌ایم خود شورا هستیم و احتیاج به تشکیل شورا نیست. با وجودیکه عوامل دولتی و عسگری وعده طبقه‌بندی مشاغل را با کارگران می‌دادند، اما عسگری تا به امروز که به تاریخ ۵۸/۱۱/۱۷ از طرف شیپانی (وزیر سابق کشاورزی) نوشته شده است نشان می‌دهد که در آن دستور صریح به عسگری داده است که تا تعیین تکلیف وضع شرکت از طرح طبقه‌بندی مشاغل کارگران جلوگیری نماید!

با وجود مخالفت اینان، انتخاب شوراها در واحدهای کشت و صنعت انجام گرفت. بعد از انتخاب عسگری و سایر بر زمین نداشت دست و پا می‌افتند. عسگری به زمین‌ساز و تکنیسین‌های کشاورزی دعوت می‌کند بقیه در صفحه ۱۴

کارگران و زحمتکشان مبارز!
• بیگانه‌ها ننگه‌ها کنون نشان داده، با افتخار آماده است خواسته‌ها و مسابرات شما را در صفات خود متعکس نماید.

گزارش زیر از طرف گروهی از کارکنان کشت و صنعت دشت معان که نمایندگان نشان بوسیله عوامل ارتجاع به طرف کارخانه‌های روسته شده اند و تا تاریخ ۵۸/۱۲/۵ همچون اطلاعیه از آنها بدست نیامده برای بیگانه‌ها فرستاده شده است.

زیودن و کشتن نمایندگان و رهبران کارگران و زحمتکشان اینک در دین سیاست رژیم جمهوری اسلامی تبدیل می‌شود. کشتار جراتکاران را به رهبران دلار و خلق ترکمن، رفقای شهید تو ماچ، مخوم، واحدی و جراحی و رویدون نمایندگان کارکنان کشت و صنعت دشت معان، نمونه‌هایی از این سیاست ضد خلقی را بنمایش می‌گذارد:

یکوشیم این سیاست خائسانه را هر چه بیشتر برای خلقهای قهرمانان افشا کنیم.

در کشت و صنعت دشت معان چه می‌گذرد؟

بعد از آغاز توطئه (مدیرعامل قبلی کشت و صنعت دامپوری معان) که با همه دود و دوزخ‌های و خوش-رفقی بدولت نتوانست در منصب خود باقی بماند و بجای دیگران انتقال یافت، عسگری رئیس جبهه دماز-ندگی آذربایجان شرقی یکی از گردانندگان مجاهدین انقلاب اسلامی است. تا حفظ سمت به مدیرعاملی کشت و صنعت دشت معان انتخاب گردید. عسگری که در تبریز تحمل اداره جبهه دانشجویی را بصورت شورش قبول نداشت وظیفه مخالفت خود با این امر باعث بگفته است. اعتصاب و تعطیل تمام کارگاههای جبهه در استان آذربایجان شرقی شده بود. این بار با حفظ سمت رئیس جبهه دانشجویی، سرافزشت معان در آورده و مدیرعامل کشت و صنعت گردید!

عسگری با زبانه‌های انقلابی ما با نه شروع به تهدید عناصر مترقی کردولی در برابر صف متحد کارگران و کارمندان نتوانست دوام بیاورد و ماهیت واقعی یعنی ضد انقلابی خود را نشان داد.

در کردارهایی که در تاریخ ۵۸/۱۱/۷ صورت می‌گیرد کارمندان کشت و صنعت خواستار ما به التفاوت طبقه‌بندی مشاغل که در تاریخ ۵۸/۷/۱ صورت گرفته است می‌شوند. صبح روز ۵۸/۱۱/۱۸ کارمندان و کارگران در دفترها می‌مانند و مالی شرکت تحویل می‌کنند. همه تهدید می‌کنند که اگر تحویل شما داده‌ایم با سپاه پاسداران این تحویل را داغان خواهد کرد. کارکنان روی خواسته‌های خود با فشاری کرده‌ها تا تاریخ ۵۸/۱۱/۲۴ به مدیرعامل فرصت می‌دهند. کارکنان و کارمندان در روز ۵۸/۱۱/۲۴ دوباره جمع می‌شوند و خواسته‌های خود را بصورت قطعنامه‌ای که به پیوست

مثلاً همه روز هملوی کارخانه ایستاده سعی می‌کنند با اعتراض بداخل کارخانه برگردند، متأسفانه به علت رفتار جدا از کارکنان این رفتار، عوامل مزدور کارفرما براحسب از کارکنان امضا جمع کرده و آنها را اجراج می‌نمایند! این عده پس از چند روز در ایستادن و جلوگیری کارخانه رفتن، سرانجام با هم‌نمایی که در کارخانه کارگران می‌شود تصمیم می‌گیرند که از طریق یعنی اعلامیه در میان کارکنان داخل کارخانه و در این توضیح وضع خود، بنیاسی و بطور کارکنان را سعی خود جلب نمایند. تلاشهای گوناگون این رفتار، حتی با تشکیل مجمع عمومی و نحرانی برای کارکنان به نتیجه مطلوب نمی‌رسد و همچنان بخشی از کارکنان با بازگشت آنها مخالفت می‌کنند. پس از مدتی تعدادی از کارکنان بدمرغ سبید داده و به کارخانه می‌گردند و بقیه نیز بعد از استعفا، تنگناهای می‌نمایند.

سیاری از روسای کارکنان انقلابی جامعه ما اگر چه با بدین نتایج رسیدن مبنی حرکتی با آن مرزبندی نموده و به سعی نموده‌ای انقلابی روی آورده‌اند، اما از آنجا که آنها نمی‌توانستند پیش و کارمندان نادان خود را یکسره محاصره کنند، در عمل به برخورد های غیر-نموده‌ای و از بالای خود ادامه می‌دادند و چیزی که واقعاً با آن نمی‌افتادند، اینکه از توده‌ها نیز باید آموزش بگیرند.

ما دایره‌های روسای کارکنان ما همچنان باید نجات بخنده بوده‌ها معیان آن‌ها روند، نمی‌توانیم آنها را بیرومی نموده‌ای انقلابی نام نهاد! آری بسیاری از روسای کارکنان مادری درستی از منی توده-ای انقلابی ندارند و بعلت کودکی جنبش کمونیستی با مدینه‌ها با بی‌سختی جریکی (جدا از توده) در میان آنها باقی خواهد ماند. این امر با آموزش نموده‌ای انقلابی و محک زدن آن در عمل تغییر خواهد یافت. بر اساس چنین سبمی است که این رفتارها از ابتدای ورود آن به کارخانه، ما دست به اعمال جدا از سایر کارکنان زده و خوشحال و راضی بودند که برخی از حقوق صفتی خوش را بدست آورده‌اند!

بدون توجه به اینکه نگافی بین خود و کارکنان ندیمی بوجود آورده‌اند، اینها بجای برگردن شکاف مذکور از طریق تماس با کارکنان قدیمی و برخورد معان با آنها و انجام کارها را قناعی و توطیخی و کسب اعتماد آنها، مبارزه جدا از دیگران خود را شدت بخشیده و معتقد بودند که مبارزه آنها دیگر کارکنان را نیز آگاه خواهد نمود و آنها را نیز به مبارزه خواهد کشاند. این همان تصویر باطل و بیپوده‌ای بود که بیروان مبنی جریکی نیز بدان معتقد بودند. اما همانطور که می‌توانی تفراتی توده‌ها نسبت به مبنی جریکی، خود یکی از دلایل نادانستی آن بود، در اینجا نیز بی‌تفاوتی کارکنان تا غل نسبت به اجراج اینها و حتی درموردی مخالفت با بازگشت آنها، نادانستی بینش و اعمال آنان را طی ماهها کارکنان کارخانه به اثبات میرسانید. این رفتار توجه نمی‌کردند که پیشا هنگ واقعی با بدبا حرکت از وضعیت توده‌ها و بر اساس آنها

بقیه در صفحه ۱۴

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

خلق ها و مسئله ملی



چرا ما درستاد مشترک نیستیم!

علامه زراسر حوره: «ختر زمان در رابطه با موضوعی غیرا مولتی رفتای فدائی (درفتر و سنج) و سایر موضوعات حتماً به حزب دموکرات تاسست به ...»

تاریخچه این حزب در ایران و در زمان در رابطه با موضوعی غیرا مولتی رفتای فدائی (درفتر و سنج) و سایر موضوعات حتماً به حزب دموکرات تاسست به ...

تاریخچه این حزب در ایران و در زمان در رابطه با موضوعی غیرا مولتی رفتای فدائی (درفتر و سنج) و سایر موضوعات حتماً به حزب دموکرات تاسست به ...

تاریخچه این حزب در ایران و در زمان در رابطه با موضوعی غیرا مولتی رفتای فدائی (درفتر و سنج) و سایر موضوعات حتماً به حزب دموکرات تاسست به ...

نما شیم. مسئول حزب در با سخ میگوید که: ما بدستور کمیته مرکزی بهیچوجه نمیتوانیم با پیکار همکاری کنیم. رفیق مسئول "کومه له" روی ضرورت شرکت ما و وحدت نیروها تا کیدزیا دی میکند. مسئول حزب سرانجام میگوید که لایکه اینطور است ما و جریکها اقدام می‌شویم و یک قسمت از شهر را اداره می‌کنیم و کومه له و پیکار هم که بیکدیگر نزدیکتر هستند قسمت دیگری از شهر را اداره کنند. نما بنده ما غلط بودن این طرح را توضیح میدهد. در آخر قرار بر این میشود که اطلاعیه ستاد مشترک موقتاً تکثیر و پخش نشود تا مسئول حزب با افراد دیالانتر تماس گرفته و نتیجه را روز جمعه اطلاع دهد. اما در کمال تعجب غروب همه تر روز در حضور تعدادی از مردم خبر تشکیل ستاد زبخت بلندگویی دفتر کومه له بخش میگردد. این عمل خود خلاف توافق بود که در دفتر حزب صورت گرفته بود که مورد اعتراض شدید نما بنده ما قرار میگردد. بعد از بحث و گفتگوی فراوان مجدداً قرار بر این میشود که شب در مسجد جامع در حضور مردم خبر تشکیل ستاد دوسویه نیروهای سیاسی - نظامی مترقی مطرح گردد. بدون اینکه نامی از تشکیل دهندگان آن برده شود، تا روز جمعه در گفتگوی دیگری جریان امر بیشتر روشن میگردد. روز جمعه ساعت ۴ بعد از ظهر در دفتر حزب دموکرات جلسه‌ای با شرکت نمایندگان (کومه له - جریکها - حزب اوبا حضور دو نفر از رفقا یا تشکیل می‌گردد که در این جلسه نما بنده حزب نظرات همیشگی خود را تکرار می‌کند. نما بنده: فدا شیباهمی می‌نمود با پیش کشیدن بحثهای انحرافی موجودیت ما را به گونه‌ای زیر سوال برده و نظر خود را به نکلی مطرح می‌نمود که عملاً به عدم حضور ما در ستاد منجر گردید. نما بنده کومه له نیز علیرغم صراحتی در حضور ما بر خورد جدی و قاطع با این امر نکرده و سرانجام به دنبال روی از حزب کشیده شده و چنین می‌گوید: اگر شما هم در ستاد مشترک نباشید ما این ستاد را تشکیل خواهیم داد.

مردم مبارز! این بود مختصری از آنچه که در جریان ستاد مشترک گذشته است. ما با مطرح نمودن موضع خود در قبال تشکیل این ستاد و راه‌پیمایی و فعالیت در این مورد فدا می‌شویم: از نظر ما عدم موافقت حزب نسبت به حضور ما در ستاد با توجه به ما هیت این حزب امری واضح بوده، چرا که ایمن حزب همواره سیاستهای سازشکارانه‌اش را دنبال نموده است و بطور مشخص موضع اخیر این حزب در جهت سازش با هیئت حاکمه و رئیس جمهور جدید و نهائناً

اعتراض دانش آموزان کرد

به سخنان بنی صدر

مهاباد

روز دوشنبه ۵۸/۱۱/۲۸ بنا به تصمیم مجمع دانش آموزان (شورای دانش آموزان) مدارس شهرستان مهاباد، دانش آموزان این شهرستان اعتراض به سخنان شب گذشته بنی صدر، رئیس جمهور، دست به یک راه - پیمایی زدند. شعارهای دانش آموزان عبارت بود از: بنی صدر حرف توپش بگیر، ما تجزیه طلب نیستیم مرگ بر آمریکا، دشمن اصلی خلق ما نظامیست. نمایندگان سپید در میدان قاضی محمد جمع شده و چند تن از اعضای شورای دانش آموزان در مسورد سیاست کنونی دولت دربرخورد به مسئله کردستان سخنرانی کردند. دانش آموزان در خالی که شعار می - دادند ما تجزیه طلب نیستیم، ما صلح طلب هستیم، بتدریج پراکنده شدند. ■

بشت کردن به منافع خلق کرد، حکایت از ما هیئت این حزب می‌نماید. لذا این موضع حزب را در مقابل سازمان ما که راه را برای هیچگونه سازشکاری بسا هیئت حاکمه باقی نمی‌گذارد و خواهان مبارزه فعال و واقعی بر علیه دشمنان خلق کرد می‌باشد طبیعتی می‌دانیم. در اینجا نیز حزب منافع واقعی توده‌ها را فدای منافع حزبی خود می‌نماید. در اینجا سوال ما از کومه له این است با وجود اینکه معتقد بودیم که سازمان ما به عنوان یک سازمان مترقی و انقلابی با بنی صدر در ستاد مشترک حضور داشته باشد و با وجود اینکه ما هیئت حزب دموکرات و حرکات اخیرش به خوبی برای رفقا روشن گشته بود، ولی عملاً عدم شرکت ما را به شرکت حزب دموکرات در این ستاد در توجیه دادند. اما در مورد شکل فداشیا ن خلق در سقز:

موضع التقاطی و بینا بنی صدر و غیرا مولتی که این رفقا در جریان تشکیل ستاد داشتند، بهیچ وجه جدا از مجموعه سیاستها و موضع گیریها ن چه در کردستان و چه در سایر نقاط ایران نمی‌باشد. همانگونه که ذکر شد، نما بنده: فدا شیا ن س می نمود موجودیت ما را به گونه‌ای زیر سوال برده و در جهت عدم شرکت ما در ستاد حرکت نمایاند. بله، برای این رفقا بسا توجه به خصایل خود مرکز بینا نه و رهبری طلبان نه‌ان همواره مسئله اساسی صرف وجود خودشان می‌توانست معنا داشته باشد... تلاش در جهت وحدت انقلابیون برای این رفقا هیچ مفهومی نمی‌توانست داشته باشد. همانگونه که ذکر شد موضع اخیر این رفقا جدا از گزارشات و انحرافات این سازمان چه در رابطه با مسئله هیئت حاکمه و چه مبارزات انقلابی خلقها و چه در رابطه با سازمانها و نیروهای انقلابی نمی‌باشد. بطور مثال در جریان تحمن مردم مبارز سنج نما بنده: این سازمان در حضور تعداد کثیری از مردم بدون اینکه ذراتی احساس مسئولیت کند... سازمان ما را در ردیف "سپاه زرگاری" قرار داده و ما را نیروی فدا می‌کند. ■

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

بقیه از صفحه ۸ کمک رسانی ...

میرسانند اما مدن بمحل چادرین توطئه را خنثی میکنند. روز دوشنبه سوم و رود اکب، سپاه پاسداران وجهای زندگی باها و زکرات بده می آیند و با کمک شیخ به طرح توطئه علیه اکب مبادرت میکنند. در تمام این مدت مردم روستا از کمکهای درمانی اکبها استقبال کرده و هر روز به گروه دانشجویی نزدیکتر میشوند و اکب در ارتباط با آنها با فشاری و معیت شیخ که زندگی براساس استقامت روستاییان است می پردازند (توضیح اینکه در منطقه خوزستان در زمینه کتاوری آبرسانی عمده ترین مشکل زحمتکشان است و این وسیله در طوفانها و نقاط دیگر در دست شیوخ می باشد).

روز پنجشنبه و رود اکب حدود ساعت ۴/۵ که اکب برشکی پس از کمک رسانی به روستاهای اطراف بمحل چادر خود در طوفانها به برگشته بود یعنی آنرا با داران که یکی از آنها مسلح بود با عوامل شیخ که قبلاً با هم قرار گذاشته بودند یکی از فرزندان شیخ که در شهر زندگی میکند بمحل اکب آمده و با طرح مسائل منجره - ای از اکب میخواهند که ده را ترک کنند. آنها در نا اشدان بنگه مردم اکب را میخواهند به همسان عوامل ملی که همراه خود آورده بودند آثار کرده و آنها نیز میگویند که اکب را نمیخواهم. مردم که کم کم از مسئله با خبر شده بودند اطراف چادر جمع شده چند نفر از آنها بعمل با داران و عوامل شیخ اعتراض میکنند. با داران پس از عنوان کردن اینکه شما محسوز قانونی ندارید و با شما ممکن است مردم را بکشند و گرفتار جواب دندان شکن از طرف اکب حرف آخر خود را میزنند و میگویند که ما برای پاکسازی منطقه آمده ایم شما را به صورت بیرون میکشیم. آنها تهدید می کنند که اگر شما نترسید ممکن است دچار حادثه شوید و با تحریک عوامل شیخ اکب در میان اندوه روستاییان منطقه را ترک می کند!

(این گزارش توسط اکبمی که از طرف کمیته آمادها دانشجویان هوادار و مینا رزبه روستای طوقا شیه اعزام شده تهیه گردیده است) ■

از معلمین متحصن در سراوان پشتیبانی کنیم

تشکیل شورانبر شرح ذیل اعلام گشته است:
۱ - کمیته تحصن و رهبری که از افراد کاملاً مورد اعتماد و مبارز تشکیل می یابد بصورت شورای موقت آموزشی زمین را برای تشکیل شوراهای آموزشی بختیاری تا به شهرستان آماده می نماید و این شورای موقت هم باید بر انتخابات و انتقال اداره آموزش و پرورش به شورای واقعی نظارت و کنترل داشته باشد و پس از تشکیل شورای آموزش و پرورش این کمیته بخودی خود منحل خواهد شد.

۲ - تعداد اعضا شوراهای غیرتشکیل میشود که ۳ نفر آنها نمایندگان شورای معلمین بخش و ۳ نفر آنها را معلمین دبیرستانها و مدارس راهنمایی دبستانهای شهری بخش جوهر و ۲ نفر آنها را نمایندگان شورای دانش آموزان و یک نفر آنها را نمایندگان شورای کارمندان ادارای تشکیل می دهند.
۳ - سوابق افراد انتخاب شده از جانب شوراهای مدارس و معلمین، محدوداً از طرف شورای موقت مورد تحقیق و ارزیابی قرار می گیرد، در صورتیکه هیچ نوع سوابق نداشته باشد به شورای واقعی آموزش و پرورش راه می یابد.

۴ - این افراد بمدت یکسال انتخاب میشوند اما چنانچه مورد قبول تصف علاوه یک اعضا شورای معلمین بختیاری و شورای معلمین شهر جوهر واقع نشوند خارج و یکی دیگر از افراد مورد اعتماد بجاش معرفی می شود.

از کلیه نیروهای مترقی منطقه می خواهیم با پشتیبانی خود از معلمین متحصن، از خواستههای مترقی آنان که خواست همه ما است دفاع نمایند.
(نقل به اختصار از نشر دیلوج شماره ۱۳)

در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۵ عده ای از معلمین بخش "جالی" سراوان در اداره آموزش و پرورش این شهر متحصن شده و خواهشهای خود را شرح زیر اعلام داشتند:

- ۱ - آموزش و پرورش از طرف شورای (دبیران، آموزگاران، کارمندان ادارای) اداره گردد.
 - ۲ - تقصیرات آموزش و پرورش از کارهای شناخته شده و کارمندان کمکا رها بسته به رژیم سابق.
 - ۳ - لغو ابلاغ نماینده آموزش و پرورش.
- در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۶ شورای دانش آموزان دبیرستان اقتصاد متحصنین پشتیبانی کرده و در اطلاعیه ای برکناری نماینده بخش جالی بخش جالی را نیز محکوم میکنند. در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۷ در ساعت ۹ صبح شورای دبیرستانهای شهرستان سراوان به اتفاق عده ای از دبیران در دبیرستان بلوچ تشکیل جلسه دادند و پس از بحث و تبادل نظر پشتیبانی خود را از معلمین جالی اعلام می دارند.

از معلمین متحصن در سطح وسیعی حمایت بعمل آمده که از آن جمله اند:
دستان ناگان - گروهی از دانش آموزان - دانش آموزان دبیرستان اقتصاد واحد آموزشی بهداشت سراوان - معلمین دستان پسرانه سرجو - شورای دبیرستانهای شهرستان - دستان امیر کبیر سرجو - معلمین آموزگاران کهنه ملا - شوران - دستانهای موری همیشه - دستان پسرانه بختان - دستان زنگیان - دستان کومو - اتحادیه جوانان مبارز بختان.

متحصنین در آموزش و پرورش طرحی نیز برای ایجاد دبورا را تهیه میکنند. در این طرح ضمن آنکه اختیارات و وظایف شوران و نیز شرایط انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان مشخص گردیده، چگونگی

در کانون مستقل معلمان چه میگذرد؟

توده ای ها که بعد از خواب سنگین چندین و چند ساله خود، بعد از قیام تگوه مند مردم ایران و بیبرکت آن، از سوزا خپشان بیرون خریدارند، بهر کجا که بایشان برسد خرابکاری می کنند، بهمه جا سرگ می - کشند، اکنون محافل و مجامع مختلف در خطر آلودگی این حزب قرار دارند. اگر هم مستقیماً نتوانند بعنوان "توده ای"، در اینگونه تشکل ها راه بیابند، سرش همیشگی خود یعنی جاسوسی روی می آورند و از طریق فرستادن جاسوس به خرابکاری در این مجامع می - پردازند.

"کانون مستقل معلمان" نیز از جمله این تشکل هاست که از آلودگی این میکروبها در امان نمانده است. آنها که بعد از مدتها این دروآن در زدن نتوانستند کانون را به کجرا ببرند، بتدریج عده ای نا آگاه را هم بدستال خود به "کانون صنفی معلمان" کشاندند.

توده ای ها مخالف حرکت های سیاسی کانون مستقل بوده و صرفاً خواهان فعالیت صنفی معلمان بوده هستند. آنها حتی از این که در اساسنامه "کانون مستقل" مینویسند: ارتجاع در کنا ر مینا رزه امیر - بالیسم آورده شود، وحشت داشتند!



حق تعیین سرنوشت،
حق مسلم خلق هاست

از سوی دیگر فدائیان با ایجاد "سازمان معلمان پیشگام" معلمان را بسوی فعالیت صرفاً سیاسی سوق دادند. ولی با اینکه توده ای ها از راست و فدائیان از "چپ" با کانون مستقل به معارضه برخاسته بودند و ظاهراً از دوسو در مقابل کانون قرار گرفته بودند، لیکن بینگام انتخابات کانون، با یکدیگر دست به اشتغال زدند!!

عدم شاخت و مرز بندی قاطع فدائیان با سازمان رویزونیستها برای عقد چنین اتحاد نامقدمی، کفایت میکرد. جریان این اشتغال بدین ترتیب بود که در انتخاب هیئت اجرا شیه کانون (مشکل از ۱۳ نفر) یک نظر بر این بود که هر یک نفر تنها به ۵ نماینده رای دهد، تا حضور دیدگا ههای گوناگون در هیئت اجرا شیه امکان پذیر باشد. لیکن معلمان پیشگام به تبعیت از انحار طلبی خاص سازمان مادر، همسرا با توده ای ها (تبعیب نکنید!) بر این بودند که هر نفر به ۱۳ نماینده رای دهد که با توجه به اکثریت آنها (پیشگام ۴ توده ای) این نظریه پذیرفته شد.

هما نظور ملاحظه می شود، انحار طلبی چیزی نیست که مختص جریانهای ارتجاعی باشد. لیکن آنچه که در اینجا باید متذکر شد، هذاری است که فدائیان که بدین مارکسیسم و رویزونیسم در توانند و بی جهت نیست که رویزونیستهای توده ای، سرور گرایشهای خود را زمان چریکیهای فدائی خلق را نهیت گفته و دم می جنبانند. که این خود میتواند اعلام خطری برای فدائیان باشد. ■

کمک‌رسانی نیروهای انقلابی و توطئه‌های عوامل ارتجاع

را حیا روکزاران تا کونا دربارا ره کمک‌رسانی نیروهای انقلابی هسلزدهگان خوزستان و توطئه‌های عوامل ارتجاع علیه آنها

"روستای قبضانه کوچک" - ۵۸/۱۱/۲۷

اس روستا در مسجاده خلف آبا دودره ۵۰ کیلو- متری اهورا برادر اردودر حدود ۲۰۰ خانوار در آن ساکن بود. هرا سوادده بطور متوسط دارای ۱۰ فرزند اش. در جریان سل در حدود ۵۰ خانه ویران شده و نزدیک به ۱۵ نفر زخمی و ۶۰۰ تا ۷۰۰ کوفتند تلف شده اند. زمین های رراعی کماکان در زیر آب قرار گرفته اند. در برخی نقاط بعلت ترکیدن لوله نفت، سولفید جریان سل اصلا قابل استفاده نیستند. بطور عمده کنگنه سسرا از طرف گروههای دانشجویی در روستا ساکن داده شده و فقط ۵۰ عدد جدار از طرف سرورجور سیدمندان داده اند. یکی از اهالی میگفت: از طرف دولت کمک موسری ه ما نشده و وقتی که ما از آنها ساعا کی کمک مودیمه ما گفتند تا زمانی که دانشجویان در روستای ما هسند شما کمک نمی- کیم. السد خود روستا نیان میدا سست که این فقط سد بیاد است. سارا سمال و سائل و آذوقه خودداری کنند.

گفتگو بین روستائیان و یکی از افراد

"کمینه در" چوم فرج

در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۸ عده ای کمینه جی و افراد جدا سار سدی وارد روستا میشوند. تحریک آنها و پاسخ یک روستائی را به آنها کوش کنند:

کمینه جی - این دانشجویان (مبارز و هسواداران سگار کمونیست هسند. آنها را از ده بیرون کنید، دولت ه ساعا کمک میکند، دیگر احتیاجی به این دانشجویان نیست.

- ساعا کاره هسید؟

- ما ما مورد دولت هسیم.

- سوکه ما مورد دولت هسنا تا حال برای ما چکار کرده- ای؟ دولت که سوما مورش باشی برای ما چکار کرده است؟

- ما جزئی هسنا که شما میخواهد مینویسیم و بعداً بر استان می آوریم.

- تا بحال صد بار آمده بدو نوشته اید و رفته اید. اما تا کنون هیچ کمکی به ما نکرده اید. شما فقط بلدید حرف بزنید. حالا که این دانشجویان هم به ما کمک میکنند به آنها میگوئید سااکی و کمونیست؟ آنها تا بحال خیلی خوب ما کمک کرده اند و ما از آنها راضی هسیم.

(بسنقل از خبر سسل شماره ۲، نشریه ای که به همت دانشجویان مبارز و دانشجویان و دانش آسوزان هوادار سا زمان سیکار - اهورا زمینتر شده است.)

خلف آباد

سپس از اینکه بیش از یک هفته از جاری شدن سیل در خوزستان می گذشت و تا جدودی احتیاجات اولیه و بسیار ابتدائی روستائیان توسط مردم و نیروهای انقلابی و گروههای دانشجویی و کاکگری بر طرف شده بود در برخی مناطق روستائیان سبنا بندگی از طرف برادر دولتی برای هس افتند تا با سلاح بید مردم برسند.

روز ۵۸/۱۲/۱ یک گروه چهار نفره از روستائیان همرا ه با نماینده قلابی مردم خلف آبا دینام طیبی که رئیس یک دبیرستان در خلف آبا د است همراه تعدادی دیگر از افراد دولتی به خلف آبا د می- آیند مردم که در چند روز گذشته زد ستکا هسای دولتی فقط تبلیغات و سرودا نصیسان شده بود با دیدن آنها به دورشان حلقه زده و شروع به اعتراض میکنند مردم فریاد میزندند آقای طیبی تمام کمکهای که مردم برای ما میفرستند تحویل گرفته وسین فک و فامیلش تقسیم میکند اگر این گروهها و دانشجویان و دبیلیمه های سیکار یکمک ما نیا مده بودند تا حالا از سبن رفته بودیم. شخصی دیگری فریاد میزند فقط موقع رأی گیری سروکله این آقایان دولتی و آخوندها پیدا میشنا بدحا لامه بعد از اینکه خونیه خرابی سستی بریم و رای بدهیم؟

مردمی که چشم خود کمکهای سید ریخ دانشجویان و گروههای انقلابی را در روزهای سخت دیده بودند، مردمی که در روزهای سخت از دولت فقط تبلیغ و حرف شنیده بودند اکنون بحق فریاد اعتراض را بلند میکردند، جمعیت همچنان با فریاد دبه دور هیئت با زرسی روستائیان حلقه زده و هر کسی داشت تا آن را به جاد خود بیزده و وضعیتش را به آنها نشان بدهد. آخوندها که تصور نمیکردند با این وضع روستا شوند برای فرار از حتم مردم به این بهانه که جلوه داریم قمد فرار کردن را دانشند ولی مگر مردم آنها را راحت میگذاشتند. در این بین نماینده قلابی محل (طیبی) جا بیلوسا نه میگوشتا اقدامات ناچیزی را که انجام داده بر رخ مردم بکشد و تا از گروههای انقلابی و دانشجویان که به کمک مردم آمده بودند بدگوشی کند. ولی مردم با گفتن این حرفها که "اگر اینها نبودند ما تا حالا مرده بودیم" تودهنی محکمی به این جا بیلوسا کار میزنند.

آخوندها پس از آنکه می بینند نمی توانند از محل فرار کنند سعی میکنند با سخنانی مردم را فریب

خوزستان در آب است
"شورای انقلاب"

در خواب است - شوشتر

روستائیان سسلزده، "عقلیلی" (ه) و با زاریان شوشتر سبناون اعتراض به عدم رسیدگی رژیم به وضع سسلزدهگان روز سه شنبه ۵۸/۱۱/۲۳ دست به نظا هرات و راهیمائی زدند. هسین روز چهارشنبه ۵۸/۱۱/۲۴ هنگا میکه معین فروموسوی اردبیلی وارد شوشتر میشوند با اعتراض شدید مردم و روستائیان سسلزده روستومی گردند.

آنها شعاری دادند: "خوزستان در آب است، شورای انقلاب در خواب است"، "مرگ بر شورا ی انقلاب". معین فروموسوی اردبیلی که وضع را چنین می بینند، تحت حمایت "پاسداران" محافظان از معرکه فرار کرده و به فرمانداری شهر برده میشوند. ■

(ه) - "عقلیلی" منطقه ای است در شوشتر که دارای ۲۴ آبا د است.

دهند آنها مثل همیشه روی منبر رفته و بر علیه نیرو - های انقلابی، لجن پراکنی میکنند و میگویند اینها اخلالگر و کمونیست هسند، سترقه اندازند، جمعیت همگی فریاد میزنند: اینها نورچشان ما هسند، کمونیست با شنیدای مملسان هسنا برانی هسند و ما مهربان و صمیمی هسند و تا حالا ما خیلی کمک کرده اند.

در ساعت ۷ شب هسنا تروز عده ای از اهالی شهر خلف آبا د به تمام اکیبهای مستقر در آنجا که توسط نیروهای انقلابی و مترقی اداره میشد رفته و می- گویند که احتمال دارا دشاب این افراد قمد تحریک عده ای را برای حمله به شما داشته با شنید، شما مطمئن با شید که ما پشتیان شما هسیم در ساعت ۹ هسنا شب یکی از دبیلیمه های سیکار به جاد های دیگر نیروهای انقلابی رفته و میگوید که چند عکس کسی به جاد در سا چسبا شده اند و قمد تهمت و افترا دارا رند و تصمیم می- گیرند که همگی به نگهبانی و حراست از جاد در سا بپردازند.

خلف آباد

۵۸/۱۱/۲۹ - در این روز سیکانفر از سسبا هسنا داران و دو آخونده که سسبنا مدها دبزشکی نیروهای انقلابی آمده و میگویند که سسبنا کسائی میتوا سند تجویز سسبنا بکنند که برگ مجوزا داشته با سسبنا قصد ا سسبنا این سسبا نه جلوی کار نیروهای انقلابی را بگیرند که با جمع شدن مردم جلوی جاد را س توطئه سسبنا- نقش بر آب شد.

مسئول سسبا هسنا داران به جمعیت میگفت که سیکانفر از غذاهای اینها مسموم شده است. مردم در جواب میگفتند: اگر غذای آنها مسموم بوده ما هم از همان غذا خورده ایم. چرا مسموم نشده ایم؟ وقتی هم که مردم پرسیدند آنکسی که میگوید مسموم شده چه کسی است معلوم شد که آن شخص اصلاً در آن شب غذا نخورده است! (بسنقل از خبر سسل شماره ۳)

طوفانیه

روستای طوفانیه حدود ۵۰ کیلومتری جنوب اهورا و در کناره شرقی رود کارون واقع است. برای کمک به مردم زحمتکش این روستا اکیب سازم محل شده و جاد در میزند و اکیب مذکور سسبنا میدهد که در ارتباط با این ده و مناطق اطراف آن کمک سسبنا سهمترین کمک را تشکیل میدهد از اینرو با دادن دارو و اعزام تیم سسبنا و کمک سسبنا کار خود را دنبال میکنند. مردم سسبنا از این عمل استقبال میکنند.

آخونده که به تله آبا خود با استفاده از رود کارون آب برای مزارع تهیه میکنند و از اینراه عمده محصولات زحمتکش روستا را با لامیکش با آمدن اکیب دانشجویی دانشجویان مبارز و هوادار سا زمان سیکار موقعیت خود را در خطر می بینند. سسبنا که میترسند دانشجویان با آکا ه کردن روستائیان آنها را علیه وی سسبنا کنند از روز و روز اکیب سسبنا جاد سسبنا سسبا هسنا داران که عملاً به دربی کمک به روستائیان که در جهت سسبنا سسبنا اکیبهای دانشجویی در سسبنا سسبنا گشت میزنند دست به توطئه میزند، روز دوم و رود اکیب دانشجویی یک ما سسبنا جاد برای سسبنا جاد آورد و گاه می آورد و از طریق سسبنا و عواملش سسبنا میکنند که داروهای اکیب دانشجویی سسبنا و علوفه هسبنا سسبنا مسموم است اما مردم که می بینند جاد فقط برای سسبنا جاد در... آورده و سسبنا دانشجویان به آنها باری سسبنا در صفحه ۷



اخبار و مسائل جهانی

مبارزه قهرمانانه کارگران مینو

کارگران مبارز کارخانه مینو که از سی عملی و سازشکاری شورای کارخانه و نیز هیئت مدیره منتخب کارکنان به تنگ آمده بودند، ابتدا شورا را منحل اعلام کرده و سپس هیئت مدیره کارخانه را وادار به استعفا کردند. از طرف دیگر از آنجا که این کارگران از طریق مذاکره با مسئولین نتوانسته بودند خواسته های خود دست یابند، تعدادی از کارگران قسمتهای مختلف کارخانه تصمیم می گیرند، کار - فرمای کارخانه حاج علی خسروانی (م) را به گروگان بگیرند. کارگران مبارز روز دوشنبه ۵۸/۱۱/۲۹ خسرو - شاهی را در دفترش به گروگان گرفته و خواهستهای چهارگانه خود را اعلام می کنند. دولتی کردن کارخانه، پرداخت سود ویژه و عیدی و معادل کارکنان دولتی و نیز پرداخت سود ویژه مانده از پارسال را خواهستهای مهم کارگران این کارخانه است. در خلال گروگان گیری، کارگران کارخانه مینو با همبستگی و اتحاد و حفظ نظم... به مبارزه خود ادامه می دادند. در این مدت چگونگی برخورد مقامات دولتی با کارگران به مقدار زیادی در شناخت ما به دولت به آنان کمک نمود. چگونگی برخورد مقامات دولتی با کارگران به آنها ثابت کرد که دولت سرما به داری هرگز به حمایت از کارگران نمی پردازد. برخورد کمیته دپویه سرپرستی بوکاکی چنان خاطره تلخی در ذهن کارگران بجای گذاشت که هیچگاه از یاد نخواهند برد.

در طی این مدت هربن نمایندگان از طرف کمیته مرکزی، وزارت کار، وزارت منابع و معدن، کمیته آیت الله خسروانی، کمیته دپویه سرپرستی بوکاکی و... برای به اصطلاح مذاکره با کارخانه می آمدند. ولی تعدادی آنها ابداع تفرقه و خراب کردن روحیه کارگران بود. اینان ضمن تهدید می - گفتند: اما ما گفته گروگان نگیرید. ولی کارگران همچنان خستگی ناپذیر به مبارزه خود ادامه میدهند. و به این ترتیب با عمل خود، گوشه ای از مبارزه پر - توان کارگران را در مقابل سرخستانها به دولت برای گرفتن خواهستهای خود و نیز در تشکیل صف متحد به نمایش می گذارند.

در غروب ششمین روز گروگان گیری، کارخانه از طرف پاسداران کمیته مرکزی به محاصره درمی آید. آنان به موجب حکمنا شیده از طرف جناب رئیس جمهور و رئیس کمیته مرکزی آمده بودند تا ظسرف ۲ ساعت خسروانی را آزاد کنند، ولی هنگامیکه با عزم راسخ و اراده پولادین کارگران روبرو شده و می بینند که آنها حتی با دست خالی مضم به مقاومت هستند، برمی گردند.

روز هفتم دادستانی انقلاب بصورت زیر موافقت کارگران را جلب می کند: دادستانی انقلاب قبول می کند که برای پرداخت سود ویژه و عیدی با نظارت کارگران بحساب کارخانه رسیدگی نماید. به همین منظور چک سفیدی در اختیار نمایندگان کارگران گذاشته میشود که مبلغ آن پس یجکی به دفاتر کارخانه شخص خواهد شد. و بدین

طبقه کارگر پرچمدار مبارزه طبقاتی در سراسر جهان است

لاتین) هر روز و ج بیشتر می گیرد. هفته گذشته در این کشور نظاهرات عظیمی با شرکت دهها هزار تن از مردم ستمدیده بر علیه رژیم ارتجاعی حاکم صورت گرفت. این نظاهرات که به درگیری با پلیس - مردمی انجامید، چندان گشته و زخمی بجای گذاشت.

شیلی

اعتصاب کارگران معادن شیلی زیر سرزمین رزم فاشیستی پینوشه، حکایت آن در دهه طبقه کارگر در سخت ترین شرایط ستمدست از مبارزه بر - نمی دارد. اعتصاب کارگران معادن که با خرابی افزایش دستمزدها بر علیه ستم ارتجاع فاشیستی صورت گرفت، با پشتیبانی کارگران کارخانه مس نیز روبرو شد.

کلمبیا و مکزیک

در روزهای اخیر، دو کشور کلمبیا و مکزیک که هر دو در آمریکای لاتین واقعند، شاهد مبارزات گسترده کارگران و زحمتکشان بر علیه ستم اقتصادی و سیاسی حاکم بوده اند. این نظاهرات بدلیل مداخله نیروهای سرکوبگر به زد و خورد و کولوله باران نظا هر - کنندگان انجامیده است.

اسپانیا

مبارزات زحمتکشان اسپانیا بر علیه نظام سر - کوبکرو و ضد خلقی سلطنت، هر روز و ج بیشتر می - گیرد. اخیراً کارگران مبارز "ما درید" یا بنحسب اسپانیا در یک نظاهرات ۳۰۰ هزار نفری فریاد اعتراض خود را بگوش جهان رسانند. در همه رابطه، نظاهرات دانشجویان به پشتیبانی از مبارزات کارگران و خواهستهای عادلانه آنها توسط مسزوران حکومتی بخون کشیده شد. در درگیری بین دانشجویان نظا هرکننده و پلیس، دوتن از دانشجویان به شهادت رسیدند. به همین مناسبت اعتراضات تهدیدی، رسا تر اسپانیا صورت گرفت که اعتصابات کارگری و نظاهرات دانشجویی در شهرهای مادرید، والنس، ساراگوسا و غیره از آن جمله است. ■

در هفته های اخیر، هجوم عظیمی از مبارزات طبقه کارگر در سطح جهان بوده است. کارگران کلیه کشورها همچنان برای رهایی از قید ستم و استعمار، بر علیه صف متحد سرما به داری مبارزه می کنند. و طبیعی است که این مبارزه مقدس و عادلانه تا نبودی کامل نظام سرما به داری و استقرار سوسیالیسم ادامه خواهد داشت. این مبارزه هم اکنون به اشکال مختلف در جها رگوشه جهان دیده میشود، از مبارزه با ظسربدست آوردن حقوق صنفی گرفته تا سرنگونی دولت های سرما به داری یعنی مبارزه قهرآمیز جهت بدست گرفتن قدرت سیاسی.

ایتالیا

در ۱۱ بهمن ماه، کارگران چابخا نه های شهر میلان (ایتالیا) برای بهبود شرایط کار و افزایش دستمزدها دست از کار کشیدند.

استرالیا

بیش از دو هزار کارگر کارخانه بیکو (استرالیا) نیز برای برخورداری از شرایط مناسب زندگی دست به اعتصاب زدند.

کانادا

در کانادا اعتصاب ۱۵۰۰۰ کارگر ما هیکر امور بازگراکی، ۱۲ بندران کشور را فلج نمود. اعتصاب قهرمانانه ما هیکران کانادایی بیش از یکماه بطول انجامید.

آمریکا

طبق گزارش وزارت کار آمریکا طی یکسال گذشته ۵ هزار اعتصاب در این کشور انجام گرفته است که نسبت به اعتصابات سال قبل از آن ۶۰۰ مورد بیشتر بوده است.

سان سالوادور

مبارزات طبقاتی در سان سالوادور (در آمریکا)

ترتیب کارگران مبارز مینو در سایه همبستگی و شکل خودتوانستند دولت حامی سرما به داران را به عقب نشینی وادارند. در خلال مبارزه کارگران این کارخانه، کارگران فارما شیمی، عبیدی، علاءالدین مترو، ساکا، تکنیکار، کارگاهنا بینا یانیک و سه واقع در دروازه قبا با آنها اعلام همبستگی کردند.

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

(بمناسبت سالگرد انقلاب فوریه ۱۹۱۷)

انقلاب فوریه روسیه و درسهای آن برای کارگران و زحمتکشان

ولی به سبب ضعفهای سیاسی و تشکیلاتی نتوانستند قدرت سیاسی را کسب کنند، درحالیکه سرمایه داران لیبرال کدها آن خودتراشهاست و مقامهای نیز برخوردار شده بودند، با حمایت خرده بورژوازی به قدرت رسیدند.

کارگران در مقابل دولت جدید چه باید میکردند؟

سرمایه داران حاضر بلافاصله به اصطلاح یک حکومت "اثنالافی و ملی" یا یک مجلس تشکیل دادند. دولت جدید می گفت به مردم آزادی میدهم و آنان را خوشحالی می سازم. ولی این دولت برای فریب مردم دروغ می گفت و واقعا یک حکومت انقلابی نبود.

میکردند. لنین می گفت: "هرکس بگوید کارگران، بمنظور مبارزه با ارتجاع تزاریسم، باید از دولت جدید پشتیبانی کنند به کارگران و راه پرولتا به و امر ملح و آزادی خیانت ورزیده است." (نامه های از دور).

منظور لنین این بود که دولت جدید فریبکار است و نمی خواهد برای کارگران و سایر زحمتکشان کار کند، بنابراین مبارزه را باید ادامه داد. آگاه و مطلع شد تا اینکه بتوان ریشه استعمارگران را کنده و قدرت نوین را مستقر کرد.

و با لنین کبیر می گفت: "کارگران نباید چشم و گوش مردم را در مقابل فریب سرمایه ستاران بورژوازی باز کنند، به مردم بیا موزند که حرف باور نکنند و فقط به نیروی خود، به تشکیلات خود، به اتحاد خود و به تملیح خود متکی باشند."

و او در ادامه حرف خود خطاب به کارگران مطرح می کرد:

"کارگران! شما در جنگ داخلی برضد تزاریسم معجزاتی از قهرمانی پرولتاری و توده های از



خودشان دادند. باید در کارها مشکل ساختن برود و با تمام مردم نیز از خود معجزه شان دهد تا موجبات پیروزی خود را در زمین مرحله انقلاب فراهم سازد." (همانجا) و بدین ترتیب بود که طبقه کارگر همراه با دهقانان زحمتکش، با اتکا به آموزش لنین و تحت رهبری حزب بلشویک به مبارزه خود ادامه دادند و در اکتبر ۱۹۱۷ طی یک قیام مسلحانه به ساط رژیم استعمارگر سرمایه داری را واژگون نموده و حکومت انقلابی خود را مستقر ساختند. ■

براد دولت جدید در این بود با زهم جنگ امر - بالیستی را ادامه دهد. این دولت با زهم می - خواست کارگران را استعمار کند و مردم را در فقر و ترسگی و اسارت نگاه دارد. این دولت فرما میسر دار سرمایه داران فرانسوی و انگلیسی بود. این دولت ارتش عدل خلقی سابق و دستگا ههای گوناگون رژیم تزاری را نگاه داشت و حتی فرماندهان و روسای کشف قتل را به خدمت خود گرفت. بنابراین این دولت یک دولت عدالتی و عدل خلقی بود و نتیجتاً کارگران و زحمتکشان نمی با ست از این حکومت جدید دفاع

رژیم منصور تزاری روسیه سابقان متفادی بنا اتکا به زور و سرسریه، توده های ستمدیده روسی را غارت و جبا ول میکرد و طبقا مردم که کینه بسیار زیادی نسبت به این رژیم داشتند، علیه او مبارزه می کردند. مردم روسیه یکبار در سال ۱۹۰۵ دست به انقلاب بزرگی زدند ولی این انقلاب نتوانست بر ارتجاع بر سر بود.

سودهای محروم روسیه مضم بودند بساط سلطنت تزاری را برچیند و این خاطر به مبارزات خود ادامه دادند و در فوریه - مارس ۱۹۱۷ دوباره دست به انقلاب زدند و در ظرف ۸ روز بساط تنکین سلطنت رومایفها را کسب نموده و مدافع ملاکس فتودال، سروهای مربع و فرماندهان ارتشی بود و واژگون کردند.

سرای درس آموزی از این انقلاب، توضیح سمیری مدهم: در حرکت جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) روسه تزاری در کنار کشورهای امپریالیستی فرانسه و انگلیس علیه کشور امپریالیستی آلمان وارد جنگ کردند تا در غارت مردم جهان سهم بیشتری داشته باشند. این جنگ، جنگ امپریالیستی بود، یعنی سرمایه داران یک کشور برای کسب سود و منافع بیشتر نسبت سرمایه داران کشورهای دیگر را شروع کرده بودند. بنابراین زحمتکشان به کشورهای دستانه اول می با ست دفاع می کردند و نه از دسته دوم. سرمایه داران و محافظان از طرفین حزبینا نی از این خاطر حاضر نیسن آموزش کار بزرگ زحمتکشان مطرح میکردند که کارگران در جنگ امپریالیستی را محکوم کرده و آنرا به جنگ داخلی یعنی به جنگ علیه سرمایه داران خودی تبدیل نمایند. او می گفت از بورژوازی که جنگ - انزوا را با سرمایه داران است کرد، بلکه علیه او با ست انقلاب کرد.

این انقلاب در فوریه - مارس ۱۹۱۷ آغاز شد. در جنبش می توان گفت که مخالفین دار و دستانه بر زد و دسته بودند. از یک طرف بورژوازی روسیه بود که خرده بورژوازی را هم به دنبال خود داشت. سرمایه داران فرانسوی و انگلیسی که روابط نزدیکی با بورژوازی (سرمایه داران) روسی داشتند، بطور سنیان و نگاه اتکا از آن را تسویق می کردند تا با مخالفت نمایند. سرمایه داران خارجی می - خو سیدند در روسیه نفوذ بیشتری داشته باشند و بنا - بر این سرمایه داران روسی را برضد روسیه تزاری می دادند. بورژوازی روسیه نیز می خواست فقط سزار (پادشاه) را کنار بزند و بجای تزار خود سر کار سا بد. و روابط اقتصادی - سیاسی فترده ای بنا نرساند و انگلیس برقرار نماید.

"زحمتکشان سورا های نمایندگان کارگران بودند. این سورا ها مدافع واقعی منافع طبقه کارگر و سایر توده های تحت ستم و تهیدست شما می آمدند. توده های محرومان، زمین، صلح و آزادی واقعی می خواستند. آنان در پی آن بودند تا به سنیها خود تزار مستبد را بزد کنند، بلکه همچنین رژیم تزاری را از بنیاد واژگون نمایند. توده های محروم نمی خواستند سرمایه داران خارجی ساری بکنند، آنان می خواستند یک کشور کاملاً مستقل داشته باشند.

بهر حال طبقات مختلف با منافع و اهداف مختلف و متفادی در جنبش شرکت کردند و با لخره طبقه کارگر و سایر توده های ستمدیده قیام را آغاز کردند و از خود حاکمان و از خود گذشته های بسیاری نشان دادند

**طبقه کارگر در مبارزه بر علیه سرمایه داری
سلاحی بجز سازماندهی ندارد!**

بقیه از صفحه ۱
بنی صدر ...

بیماری و نیز دلایل دیگر بطور محسوس زنجیره سیاست‌کناره گرفته است و از لحاظ عملی و معنی‌منس چندان در تعیین سیاست‌های هیئت حاکمه مدّ زده.

یکپارچه کردن و متمرکز نمودن قدرت

با نگاهی گذرا به صحنه سیاسی کشور پس از انتخاب ریاست جمهوری، بخوبی می‌توان دریافت که در این دوره معادلات و تناسبات نیروهای سیاسی موجود در هیئت حاکمه بطور محسوس تغییر نموده است. این تغییرات در خطوط عمده خود همان تقویت مواضع بنی صدر و کلیه نیروهای که در این مرحله از مواضع گوناگون در پشت سر او صف‌آرایی کرده‌اند (جناح‌های مختلف بورژوازی از جمله آند) از یکسو و تضعیف قدرت جناح منسلط روحانیت یعنی رهبران حزب جمهوری اسلامی که حداقل پس از برکناری دولت بازرگان مهمترین مواضع کلیدی قدرت را در دست یدقیقه کرده بودند، از طرف دیگر است. این تغییر معادلات را دلایل و عوامل گوناگونی باعث شده‌اند.

از یکسو، رسوایی‌های بی‌دری رهبران حزب جمهوری اسلامی، به‌میزان گسترده‌ای پایه‌های آنان را در میان مردم تضعیف نموده و بخش وسیعی از توده‌های منوهم‌هوا را از آنها را به‌جانب چهره تازه‌نفس و نا شناخته هیئت حاکمه یعنی بنی صدر، رانده است. (جدول آرا) و این انتخابات مجلس نیز این را بخوبی نشان داد؛ و این خود مهمترین مانعی است که به این جناح اجازه نمی‌دهد، همچون گذشته در عرصه قدرت سیاسی دیوانه‌وار و سر مست از قدرت به تاخت و تاز بپردازد.

و از سوی دیگر بنظر می‌رسد، بسیاری از آنها، بنوعی بنوعی متغایر شده‌اند که حفظ موجودیت کل هیئت حاکمه و منجمده قدرت سیاسی خودشان در گرو فاش آمدن بخرافات درونی خودشان و کوشش در جهت "یکپارچه کردن" قدرت در مجموعه قدرت سیاسی است. در مورد آیت‌الله خمینی این موضوع را بخوبی می‌توان تشخیص داد. تقوی بی فرماندهی کل قوا به بنی صدر و دعوت تمام نیروها به حمایت از رئیس‌جمهور، تجلی چنین واقعیتی است. همچنین اینکه اکثریت اغای شورای انقلاب با تقوی بی ریاست شورای انقلاب از بهشتی به بنی صدر موافقت کرده‌اند، نشانه‌ای دیگر از این واقعیت است.

البته اینها هنوز گام‌های بسیار جزئی است. رهبران حزب جمهوری اسلامی، که هم‌اکنون نیز جناح نیرومندی در درون هیئت حاکمه را تشکیل می‌دهند، بسادگی از مواضع قدرت خود دست‌نخواهند کشید. بدون شک اقدامات بعدی بنی صدر برای ایجاد تعادل هر چه بیشتر منع خود در حاکمیت سیاسی کشور با دشواری‌های فراوان ناشی از مقاومت و مقابله جوشی جناح فوق روبرو خواهد شد. لیکن زمانیکه این درگیری‌ها و تشنج‌ها به مرحله‌ای می‌رسد که کل قدرت سیاسی حاکم را در برابر بله با تفسیر "بالا" و "پائین" مورد مغایرت قرار می‌دهد، منافع استراتژیک کل

رژیم بحاج می‌کنند که جناح‌های مختلف، به‌گذشت‌ها بی‌هرچند ناخوشایند، تن در دهند، و صفوف خود را فشرده تر سازند.

سیاست بنی صدر، از آغاز کار چنین بوده است و اکنون نیز همان را دنبال می‌کند. او می‌کوشد تا به درگیری میان جناح‌های مختلف قدرت خاتمه دهد و حاکمیت "یکپارچه" ای را بوجود آورد. مبارزه با "تعدد مراکز قدرت" از مهمترین برنامه‌های او است. که ز همان ابتدا بر روی آن تاکید ورزیده است. البته او یکپارچگی قدرت را بشرطی می‌خواهد که سوا مع خود و جناحش در کل قدرت سیاسی تثبیت شده

در طی این مدت او از یکسوی مخالفت با برخی سیاست‌ها و روش‌های کور و عقب مانده اعمال حاکمیت جناح منسلط روحانیت یعنی رهبران حزب جمهوری اسلامی برداخت و از سوی دیگر با استفاده از تریبون‌های متعددی که در اختیار داشت (روزنامه انقلاب اسلامی، مجاد، مجامع کارگری و...) به کا ر وسیع تبلیغی پیرامون سیاست‌ها و روش لیبرالی بر نامه‌های خیالپردازیانه "جامعه توحیدی" خود دست زد، و بدین ترتیب توانست، با تکیه بر این عوامل فریبی‌ها جای پائی در میان مردم، باز نماید، مردمی که بتدریج از ناخوشی و نا زهای روحانیت

رسوایی‌های بی‌دری رهبران حزب جمهوری اسلامی، به‌میزان گسترده‌ای پایه‌های آنان را در میان مردم تضعیف نموده و بخش وسیعی از توده‌های متوهم‌هوا دار آنها را به‌جانب چهره تازه‌نفس و نا شناخته هیئت حاکمه یعنی بنی صدر رانده است. بنی صدر رسالت جوش دادن کلیه اقشار بورژوازی و لایه‌های مرفه‌خرده بورژوازی را بعهده گرفته است و این رسالت بخشی از برنامه "وحدت ملی" و بشما می‌رسد.

قدرت طلب و رسوایی‌های بی‌دری لیبرال‌های خیانت‌پیشه به سنگ آهک و نسبت به بسیاری از عناصر هیئت حاکمه دچار باس و بدبختی شده بودند.

بدین ترتیب بنی صدر توانست، در شرایط قحط الرجال سردمداران رژیم، برای خود جایی در میان مردم باز نماید. بدین ترتیب برای مدتی مردم را با وعده و وعیدها و احیاناً اطلاعات و فریب‌های نا چیزی بدینال خود بگشاید. این اطلاعات و فریب‌ها در واقع "راه‌حل‌ها" هستند که بنی صدر بمنظور تخفیف بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه پیش‌پای هیئت حاکمه گذاشته است. بنی صدر از همان ابتدای دید که روحانیون نا شایسته بیشتر از آنکه بتوانند به تثبیت قدرت حاکمه و سیستم سرمایه - داری وابسته خدمت نمایند، با اعمال و رفتار عقب مانده خود آن را بیشتر دستخوش بحران و تلاطم می‌نمایند. بهمین منظوری که از مهمترین برنامه‌های بنی صدر و تبلیغ می‌کرد و اکنون نیز در موضع مردم نیرومند هیئت حاکمه آن را دنبال می‌کند، با بیان دادن به "خودکامی"، "چندگانگی قدرت" و "اجادیک دولت یکپارچه" بود. او در جهت برکسی نشاندن این برنامه خود توانست حمایت بخشی از روحانیت را که "واقع بین تر" بودند، جلب نماید. اما استن "بخش" از روحانیت هنوز برای بنی صدر بسیار نا کافی بود. و بسا برای او ناچار بود که بخش غالب روحانیت یعنی رهبران حزب جمهوری اسلامی را با هنداردادن نسبت به وضع موجود جامعه، بخود جلب نماید و با حداقل آنها را خنثی نماید.

بنی صدر و روحانیون حاکم

سیاست کنونی بنی صدر در این جهت است یعنی او میخواهد که هر چه زودتر یک دولت یکپارچه بوجود آورد تا با تکیه بر

با شد و بسیاری دیگر جناح‌ها را حول یک محور و هسته مرکزی نیرومند، که آن نیز کسی جز خودش نیست، سازمان داده بماند.

بنی صدر می‌داند که "تعدد مراکز قدرت" و شکاف‌های دورن هیئت حاکمه، یکی از عوامل عمده تثبیت نشدن رژیم و لرزان بودن پایه‌های آن است. او بخوبی می‌داند که این نگانها و پراکنندگی در صفوف قدرت سیاسی بر زبان کل آنها و بسود جنبش او حکم کرده انقلابی است که می‌تواند از چنین تضادهای بهره گیرد. او می‌داند که وجود چنین پراکنندگی و تشنجی در "بالا"، توان و نیروی کل هیئت حاکمه را کاهش می‌دهد و در برابر تاخت یک سیاست واحد و مشترک، در برابر جنبش انقلابی و نیروهای رادیکال و مترقی جامعه و موانع ایجاد می‌کند. بهمین خاطر است که به جناح‌های رقیب هشدار می‌دهد اگر این وضع (تعدد و پراکنندگی مراکز قدرت) ادامه پیدا کند، "همه با هم خواهیم رفت"!

این روشنفکر "عاقل" و "واقع بین" بورژوازی که کمر همت به "تجات کشور" و "ملت بسته است کیست؟ رسالت او در جامعه بحران زده کنونی ایران کدام است و چه "راه‌حل‌ها"ی در آستین دارد؟

بنی صدر با شعارها رگانه: "وحدت ملی - باز سازی اقتصادی، امنیت، معنویت" پایه میدان مبارزه اش با تشنج‌ها و گداخت و سرانجام جام پیروزی را در این انتخابات برکشید. این شعارها در ظاهر امر بسیار زیبا هستند. اما معانی واقعی نهفته در پس این شعارها را زمانی می‌توان بهتر دریافت و از درون آن به "رسالتی" که "تاریخ" در قبال جامعه بحرانی ایران بر عهده بنی صدر گذاشته است، بخوبی بی‌برده کرد. او روگفتار واقعی بنی صدر را در برابر رویدادهای و تجربیات مشخصی که در جامعه ما به وقوع می‌پیوندد، در کناره‌ها و گوشه‌ها مورد توجه قرار داد. بنی صدر، در طی یکسال گذشته، کوشید خود را از دایره اصلی قدرت اجرائی کشور، دور نگه دارد.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران

این یکبار چکی. به "حل" تفا دمیان "بالا" و "پائین" بپردازد. بنی صدر نمی خواهد البته هم نمی تواند روحانیت را از قدرت سیاسی کاملاً خلع کند. اما او معتقد است که روحانیت باید "ما فوق دولت" قرار گیرد و در حالت درامور جراتی خودداری نماید. او از روحانیت متوقع است که نفوذ معنوی خود را در خدمت دولت قرار دهد تا رژیم جمهوری اسلامی ایران و توسعه خودیستند و در احوال و انحراف در میان نوده ها نسبت شود.

رو مشکل بتواند، با آنها برای همیشه و در دراز مدت کنار آید. خود بنی صدر نیز این را بخوبی میداند و دریا مته است که حریف بسیار سرکش و حرف نا شنواست. جایی که مسئله قدرت در میان است ملاحظات دوستانه بکناری می رود. از همین روست که بنی صدر برای برائی سیاست و حرفش و عقب راندن رقیبش، آرا و انتخاباتی اش را به رخ می کشد.

آرائی که مردم مآدره بهمین دادند، اتخاذ اراده قاطعی است که ایران فقط یک دولت می تواند داشته باشد و آن دولتی است که بر

بنی صدر در یکسال گذشته از تمام مکانات را دیوتلو بیونی و مطبوعات و مساجد و... برای تبلیغات بنفع خود استفاده کرده و در عین حالیکه اینجا و آنجا به عملکردهای عقب مانده و کهنه پرستانه حزب جمهوری اسلامی انتقاد میکرد خود را از قدرت اجرایی دور نگه داشت.

آقای بنی صدر نرخ بهره بانکی را پائین می آورد و بعد به بانکها میگوید به تولیدکننده ای که وام میدهد در آنجا سرمایه گذاری کنید و ما سهم شوید، یعنی ما به انتفاع بهره قبلی را با بهره فعلی از طریق استثماری مستقیم کارگران جبران کنید و بعد اسم این را می گذارد "اقتصاد توحیدی" !!

او بنظر خود را در این باره و در پاسخ این سوال خبرنگار روزنامه "لوموند" که پرسیده بود: "شما برای روحانیت چه مقامی در نهادها یا تازه پیش بینی کرده اید، آیا آنها در داخل دستگاه حکومتی خواهند بود یا در خارج آن" گفت:

"به در داخل و به خارج، بلکه در فوق دستگاه. ما نظام ولایت فقیه را برقرار کرده ایم تا ممانعت پس دولت و روحانیت را در قضا تنظیم کند. روحانیون از کمال ولایت فقیه است که می تواند باشد. از عقیده کنند با دست عمل بزنند".

از مباحثی که ما در روزنامه لوموند) بنی صدر، در بیست و سه ساعتی از خود در حفظ نظام جمهوری اسلامی مطابق برنامه های خود، هم به روحانیت نیاز دارد و هم می خواهد آن را از دست قدرت اجرایی و تصمیم گیری دور نگه دارد. نیاز او از جهت نفوذ معنوی روحانیت در میان نوده ها است و همین نفوذ هم به بنی صدر اجازه نمی دهد تا بطور آشکار به روحانیت بگوید "فوقی موقوف! اما او همین سخن را بطور محترمانه می گوید و به آنها توصیه می کند که "روحانیون از کمال ولایت فقیه است که می تواند باشد. از عقیده کنند با دست عمل بزنند". او به ولایت فقیه معتقد است، اما استنباط خاص خود را از آن دارد. استنباطی که مطابق آن این اصل نباید چگونه خدشهای در یکبار چکی دولت بوجود آورد. او ولایت فقیه را تا حدیک قدرت معنوی که در روحانیت است بنی صدر و همکارانش می تواند باشد. بیشتر به عوام مغربینی نوده ها بپردازد و انسان را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی در توهم بگذارد. پائین می آورد، او با ولایت فقیه ای که بخواد قدرت سیاسی را نیکه، نیکه بنا بدو آن را به حکومت ملوک الطوائف تقسیم کند، اگر چه بطور تلویحی و نه صریح و لسی سریعتر تا مخالفت می کند. اما می دانیم که استنباط بنی صدر استنباط روحانیونی که ولایت فقیه را وسیله ای در جهت اعمال خود کما مکی و قدرت بی چون و چرای حودی می دانند، کاملاً تفاوت دارد و از این

لیبرال و وابسته ای که بنوعشان در بازاری یک جا معسرما به داری (و در اینجا سرما به داری وابسته) شگفته میشود. نمیشاید. روشنفکران مورد نظر آقای بنی صدر، با رفقای خا رجه نشینش هستند که همچون خودش در مکتب کشورهای غربی درس و فاداری به اصول و معیارهای سرما به داری را آموخته اند (مثال دکتر سلامتیان، شویری، طباطبائی، قطب - زاده، حبیبی و...) و با کسانی که سالها در داخل "سنگر مبارزه با دیکتاتور" موی سفید کرده اند، و یکی از اصول مورد قبولشان که شدیداً به آن وفادار بوده - اند، حفظ نظام سرما به داری و ایستادگی و حفظ سلطنت بوده است. منظور ما کسانی مانند جناب سنجابی و فروهر و... است، که اگر چه طشت رسواشی بسیاری از آنها از با مهر خانه ای فرو افتاده است، لیکن آقای بنی صدر نیز دست دوستی به سمت آنها دراز نموده است. بیپرده نیست که احزابی همچون جنبه ملی و حزب ملت پس از به قدرت رسیدن بنی صدر بلافاصله را و وسایستش در جهت پایان بخشیدن به چند - کانی قدرت، حمایت نمودند و به تیریک گفتند. این سیاست ها در واقع بخشی از برنامه "وحدت ملی" بنی صدر بشمار می رود. وحدت ملی بنی صدر وحت تمام بورژوازی (سرما به داران) است! چه آن بخشی که در زیر چتر روحانیت سنگر گرفته (بهشتی ها ورفسنجانی ها و...) و چه آنها ای که در مقابل - احزاب سنتی بورژوازی بطور پراکنده گرد آمده اند (مانند جنبه ملی، حزب ملت و...) بنی صدر، نقطه عطفی است در حیات رژیم جمهوری اسلامی ایران.

نقطه ای که در آن کلیه اقشار بورژوازی و لایه های مرفه خرد بورژوازی برای اولین بار امکان می - باسند فارغ از تفاذهای بی شمار درونیشان، دست دوستی به یکدیگر بدهند. بنی صدر رسالت چنین جوش دادنی را بعهده گرفته است. بنی صدر ولایت کسل بورژوازی بخوبی میدانند که، تحکیم مبانی سرمایه - داری و وابسته در ایران و برآیندها ختن دوباره دستگاه بهره کشی، نیازمند چنین "جوش خوردگی" و "وحدت" است. ترمیم سیستم اقتصادی - اجتماعی و دستگاه داری سرما به داری و وابسته فقط در سایه این "وحدت ملی" امکان پذیر است. اگر هبران روحانیت چنین نکته ای را درک نکنند، لیبرالها و بویژه جناب بنی صدر با آن زیرکی بورژواشیش این واقعیت را بخوبی درک می کنند. اما اینها خواهی شیرینی است که بنی صدر در سر میپروانند تا خیالهای شیرین آقای بنی صدر و واقعیت فاصله بسیار است. حداقل می توان گفت که چنین وحدتی اگر هم امکان پذیر گردد، مدت زیادی بطول نمی انجامد. این را ما نمی گوئیم. این را واقعیت بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی ما مع که تمام دستگاه بهره - کشی اقتصادی را به فلاکت کشانده است، می گوید. بحران کنونی که ما "راه حل" های سرما به دارانه، به یقین اطلاع پذیر نیست. بسیار گمان این راه حل را آزموده اند. رفرمهای دوران رژیم شاه از با دمان گرفته است. همچنین تلاشهای آقای بازگان.

بنی صدر نیز گرچه با افراتراز آنها گذاشته و در بی رفرمها و اصلاحات بیشتری است، لیکن ماهیت رفرمها و اصلاحات مورد نظر او را با این تفاوت چندانی نمیکند چرا که این رفرمها و اصلاحات در واقعیت خود، راه حل های سرما به دارانه بورژوازی هستند که بمنظور بازاری سیستم سرما به داری و وابسته -

طبق قانون اساسی عهده دار امور کشور میشود (اطلاعات ۸ بهمن)

بنی صدر یک چیز دیگر را هم در مقدر تمسکاری آموخته است. اومی دانند که با مغز و خونیونی که سالها کارشان فقط تدریس در جرحه های تنگ و تاریک حوزه "علمیه قم" و... بوده است، نمی توانند دستگاه دولت و مورمملکتی یک جا معسرما به داری را آنها چنین وضع افغانکی سرو ما ن دهد. او می دانند که روحانیت در یکسال اخیر، با خصوصیات عقب گرا با نه و تاریک اندیش خود بسیاری از روشن - فکران بورژوازی را که با به در جهت ترمیم ساختمان جا مع مثلاً شده سرما به داری و وابسته ایران بخدمت گرفته می شدند، از خود رمانده است. اومی خواهد سرما به داری و وابسته بحران زده ایران را ترمیم و تثبیت نماید. بنا بر این به چنین روشنفکران و منفکران و وابسته به سرما به داری ای نیاز دارد. از سوی دیگر هم گواهی که قبلاً گفتیم وی به نفوذ و اعتبار و قدرت روحانیت هم نیازمند است. ایست که می گویند آنها را با هم آشتی داده و همه را بگرد خود می مشکل و جمع آوری نماید، تا با کوشش مشترک به "بازسازی اقتصادی" کشور بپردازد. بازسازی اقتصادی سرما به داری و وابسته بحران زده ای که و کمربه حفظ و تثبیت آن بسته است. خودش در این باره میگوید: "من از سالها پیش بر این نظریه بوده ام و ایس - نظراکتون در ایران پیرو شده است که باید روحانیون آگاه به مسائل زور و روشنفکران متعهد و وحدت پیدا کنند و با هم مشکلات شرکت کنند و من امیدوارم که این وحدت در دوره ریاست جمهوری من کامل شود".

(اطلاعات ۸ بهمن)

بنی صدر و روشنفکران بورژوازی

البته همانطور که عمل نشان داده است، منظور بنی صدر از "روشنفکران متعهد" کسی جز روشنفکران

هرچند در اشکال جدیدتر - بکار گرفته شده اند. برای درک این منظور لازم است برخی از جوانب سیاستها و برنامهای بسی مدروا که می توانند بطور بهتری مضمون و واقعیت شعارهای چهارگانه او را نشان دهند، مورد اشاره قرار دهیم.

راه حل سرمایه داری در پوش "اقتصاد توحیدی"

بنی صدر، در طی یکسال گذشته، با ترمشهور "اقتصاد توحیدی" اش بر سرزبانها افتاد. او جامعه و اقتصاد "توحیدی" اش را بر سر هر کوی و برزنی تبلیغ می کرد، به کارگران وعده میداد که "هرکس با بست کاری که می کند حق پیدای می کند. بیشتر از کار در اسلام هیچ چیز نیست. هیچ موقعیتی برای کسی ایجاد حق نمی کند" (کتاب "کار و کارگر در اسلام" مجموعه سخنرانی های بنی صدر در اجتماع کارگران) و شعاری داد که: "اساس در اسلام کار است و هرکس کار کرد باید نتیجه سعی خودش را ببرد". (همانجا) او از مضرات "ربا" در اسلام سخن می گفت و شعاری - داد که ربا خواری در اسلام با پاداش زمین برود. او شعاری داد که بهره در اسلام با پاداش زمین برود، چرا که "اسلامی نیستند. اینها حرفهای شیرینی بودند که آقای بنی صدر بر زبان می راند. لیکن زمانیکه پای عمل میماند، زمانیکه خودش بر مسند قدرت نشست و فرمان کشتی به گل نشسته نظام بیمار حاکم را بر دست گرفت، در عمل نشان داد که می خواهد همان راهی را برود که پیشینیان او رفته اند. منتهی با این ویژگی که شیوه های ما هرا نه تری در آستین دارد. شیوه هایی که می توانند مدت زمانی توده های نا آگاه را بفریبند. گفتار زیر بوخی می توانند ماهیت و اساس تمام شعارها و برنامهای به اصطلاح انقلابی او را برای "بازسازی اقتصاد" نشان دهد. وی در پاسخ خبرنگاری که از او در مورد زمان اجرای "برنامه سه انقلابی" اقتصادی اش سوال میکند، جواب میدهد:

"در این ۱۱ ماه همین کارها شده است، (یعنی همین برنامه انقلابی پیاده شده است) - برانتر از ما است (از جمله تولید نیت پائین آمده و ۶۰ سال به عمر جاهها اضافه کرده ایم) (و دیگر اینکه با تکمیلی (!) شده، اینها راهی عمومی ملی (!) شده، زمینهای شهری ملی (!) شده، مگر اینها کار نیست؟ شما کافی است به عقبه انقلابها نگاه کنید."

آیا این جملات به اندازه کافی گویای ماهیت برنامه های به اصطلاح انقلابی بنی صدر نیست؟ این اقدامات "انقلابی" که بنی صدر از آنها چنین بسا افتخارنا می برد و لابد رسالت خویش را در ادامه همین "برنامه" ها یافته است، همان سیاستها و اقداماتی هستند که یکسال توسط دولت بازرگانان اعمال شدند و اکنون کوی و سوای اش در هر کوی و برزنی نواخته شده است. سیاستهایی که حتی کسانی چون بهشتی نیز دیگر جرات نداشتند آنها را در او آنها را "سازگارانه" می خواند.

وقتی بنی صدر از به اصطلاح ملی کردن بانکها و... چنین به نیکی و افتخار با مدعی کند، براهی می توان در یافت ملی کردن از نظر او جز دولتتسی کردن موسسات اقتصادی و مثلا با تکمیل چیز دیگری نیست. سرمایه داری وابسته و نهادهای اقتصادی آن کارگان یا برجاست، اما این با رپوش دولتی بخود گرفته است، همین ویس. چنین ملی کردنی

براستی هم با دیدن "حذف بهره و ربا" شی داشته باشد.

در کشاکش مبارزه انتخاباتی، بنی صدراعوام - فریبنا نه، شعرا حذف ربا و بهره در بانکها را سر داد. و توده های عظیمی را که از حیلها و ترفندهای روشن - فکران بورژوازی بی خبر بودند، بخود جلب نمود. اما برنامهای بانکی او، جز اصطلاحات و فرم نامچیزی در نظام بانکی ایران چیز دیگری نبود. اساس و پایه نظام بانکی او، که شریا باشد یا شیخ با خون سرمایه های امپریالیستی و وابسته تغذیه میشود، همچنان با برجای می ماند. بهره، نام "کار مزد" و "سود تضمین شده" را بخود گرفت و اندکی تعدیل شد. همین ویس، بنی صدر می خواهد بهره را بجای حذف (مروا - رید) به مردم غالب کند. هرکس که تازه لغبسی اقتصاد را آموخته باشد یا شویا حتی در تجربه زندگی اش با اقتصاد سرمایه داری برخورد کرده باشد، می دانند که در نظام سرمایه داری بهره یکی از شرایبهای حیاتی بانکها است که بدون آن بانک علت وجودی خود را در این جامعه از دست می دهد. بانکها از طریق همین بهره ها (و نیز به طرق دیگر)، در استعمار نیروی کار کارگران و زحمتکشان جامعه و غارت و چپاول دسترنج آنان مشارکت می ورزند. حال چگونه بنی صدر می تواند با حفظ نظام سرمایه داری (وابسته) - چیزی که خود او و نیز کوششی برای لاپوئانی آن، حداقل در شرایط فعلی ندارد - بهره بانکی را حذف نماید! بنی صدر، بهره ۶٪ و امهای مکرر را (که در رژیم گذشته معمول بود) به ۴٪ می رساند و ما آن را کار مزدی گذارد. (۸) آتوقت در بوق و کرنا می دمد که بهره بانکی را حذف کرده است. در حالی که در اکثر

(۸) - توضیح بیشتر ماهیت فربیکارانه این فرم بانکی بنی صدر، از حوصله این بحث خارج است. برای این منظوری توانیده بیکارهای ۳۷ و ۳۸ را جمع کنید. همین قدر توضیح می دهیم که قرار است بانکها در رابطه با وامهایی که به تولید کنندگان می دهند (چه کسای و وزی و چه صنعتی و خدمات) سرمایه - گذاری و سهم معینی در شرکت وام گیرنده داشته باشند. به عبارت ساده بانکها بجای گرفتن بهره های کلان از سرمایه داران، از سرمایه داران بهره کمتری می گیرند و بجای آن بطور مستقیم کارگران و زحمت - کشان را استعمار میکنند.

بقیه از صفحه ۲
کشتار رهبران ...

که شاه در مورد ۹ تن از زندگان زندانی مرتکب شد و دیدیم که به چه سرنوشتی دچار آمد. حزب جمهوری اسلامی نیز به شهادت آنچه که از آغاز وقایع کشتار در لجن نامه اش بجای رسانیده، از طراحان اصلی این جنایت هولناک بوده است. این حزب رسوا، بعد از قتل نمایندگان خلق ترکمن، از طریق لجن نامه - اش کوشش می کند که با کوچک کردن شخصیت انقلابی و زلفای شهید، کشتار خائنانه این دلوران شهید را موجه جلوه دهد.

و اما آقای رئیس جمهور که همواره سعی میکنند از خود چه راهی "دموکرات" و "انقلابی" ترسیم کنند، نیز در این جنایت فجیع شریک جرم است. آقای بنی صدر وقتی که خلق ترکمن را تهدید کرد، وقتی که ستاد خلق ترکمن را "لانه فساد" نامید، وقتی که خلق ترکمن را تهدید کرد که خانه به خانه آنها را در هم خواهد کوفت، وقتی که این همه را تا "ده درصد از

کشورهای سرمایه داری اروپا نیز بهره وام ممکن در همین حدود یعنی حداکثر ۴٪ است و نه بیشتر. این رژیم شاه بود که بدلیل عمق سربردگی اش به امپریالیسم، چنین نرخ بالایی را برای وامهای ممکن، یعنی یکی از مبرمترین نیازهای زندگی زحمتکشان در نظام بانکی خود برقرار کرده بود. کاری که بنی - صدر کرده است این است که میزان این نرخ را اندکی پایین آورده و تازه به سطح بهره وامهای ممکن در کشورهای اروپایی رسانده است. کشورهایی که نه جامعه توحیدی اند و نه مدعی داشتن "اقتصاد توحیدی" هستند و کسی نیست که در سرمایه داری بودن سیستم اقتصادی این کشورها شی داشته باشد!

البته این فرم آقای بنی صدر در نظام بانکی "حسن دیگری" هم دارد، و آن بهره برداری سیاسی سرمایه داری وابسته ایران از چنین فرمی در جهت بازسازی خویش است. بنی صدر که با تکمیل همچون دیگر توده های وابسته رژیم گذشته و بنا بدردر همه آنها، پیوسته در آماج حملات انقلابی توده های مردم قرار داشت. حملاتی که تنها در شکست شیشه ها و به آتش کشیدن مراکز بانکی کشور خلاصه نمی شد. بلکه درسی اعتمادی شدید مردم نسبت به این مراکز غارت و چپاول رژیم سرمایه داری وابسته ایران نیس - متیلومری گردد. این بی اعتمادی و تنفر از بانکها و غارتگریها بدینجا بود که در او خور رژیم منفور پیشین توده های حتی از پیرداخت افساط و امهای خود و بهره های بانکی نیز خودداری می کردند. و این خود ضربات مهلکی بر بیکر فروت و بیماران نظام بانکی رژیم و لاجرم کل اقتصاد وابسته آن بود. (حسن) البته حسن برای سوزواری! ارفمها و اطلاعات بنی صدر این است که می تواند اعتماد مردم را به این نهاد - های غارتگر، جلب کند تا بر اساس آن نظام بهره کشی بانکها را مجدداً برآورداند. در واقع بنی صدر با چنین سیاستی می کوشد تا توده های را راغب کند که "مراودات" طبیعی خود را با بانکها مجدداً برقرار سازند، افساط پیشین خود را بپیرا زند، بهره های برده خت نشده را بازگردانند و چرخهای بهره کشی آنان را دوباره به راه اندازند. آیا سرمایه داری وابسته ایران چنین "خدمتی" را از جانب بنی صدر، بدینده تحسین نگاه نخواهد کرد؟ آیا با زهم تردیدی در اصالت بورژوازی اطلاعات آقای بنی صدر بمنظور "بازسازی اقتصادی" کشور وجود دارد؟ (ادامه دارد)

قا طبعیت رژیم جمهوری اسلامی" دانست، از همانجا دستش بخون خلق ترکمن، بخون نمایندگان خلق ترکمن، آلوده شد.

در یک کلام برخلاف تصور عده ای که معتقدند گویا این جنایت هولناک فقط کار جناحی از پادشاهان بوده و به کل هیئت حاکمه مربوط نمی شود، در حقیقت شورای انقلاب و ربا بت جمهوری، حزب جمهوری اسلامی و پادشاهان و... همگی در این جنایت شرکت داشته اند. در واقع این هیئت حاکمه است که خون می ریزد، این هیئت حاکمه است که کشتار می کند و شیوه "آریا مهری زندانیان خود را به گلوله می بندد.

اکنون که ارتجاع از هیچ جنایت شرم آوری روی گردان نیست، این وظیفه همه انقلابیون است که با تبلیغات وسیع خود مانع از آن شوند که این جنایت فجیع از خاطره ها زوده شود، همه جهانسان باید بدانند که این نمایان دروغین آزادی و استقلال چگونه بر خلقها ستم می کنند. ■

سببه از صفحه ۴

تجاری از ...

مبارزاتشان راه‌دایت ورهبری نماید. آنها از مخالفت و سازشی بیاری کارگران درس آموزی نمی‌کردند. اینست که می‌گوئیم تمور آموختن از نوده‌ها برای آنان عیب می‌نمود.

رفقای مذکور در ابتدای ورودشان به کارخانه ناسخای کارنوضی و تسلیفی در میان کارگران و منفعدکردن آنان به مبارزه نمودن، خوددست به مبارزه می‌زدند، چرا که می‌ترسیدند جانی عملی ندهد و کارگران به مبارزه کشیده نشوند! اینست نمودی دیکوارستش جدا رتوده، "فهرمانان فعال و عوام الناس غیر فعال"، و نیز آنکه فهرمانان توده ها را به مبارزه می‌کشاند!

آری، اگر ما سازهای کارگران را از ریاضی نمانیم و هنگام ما آنان و جنبه‌ها بکفمد جلوتر حرکت نکنیم و نفس رهبری نکنیم، مبارزات آنها را بعهده بگیریم دچار مبارزات بی‌نتیجه می‌باشیم و زکجهی جز مبارزات جدا رتوده، تحت لفاظی های روشنفکرانه نیست، نده و شکست نتیجه حتمی اعمال ما خواهد بود. آری غلب مخالفت کارگران و سرعلت اینکه حدس نفور از حسی اخراج میکنند، بدون آنکه کارگران تا غل از آنها حمایت کنند، اعمال جدا از کارگران این رفقا بود.

از طرف دیگر همانگونه که مبارزات جریکی بدون با سرسنادی در روید مبارزات نوده‌ها، جزا بعه ولطمه به جنبین نوده‌ای اثر دیگری نداشت و بیه از دست دادن انقلابیون برارزنی منجر می‌شد، در اینجا سیر اخراج حدس نفور از روشنفکران م. ل. و کارگران جنب و بسیر و ما بعه‌ای برای کارگران این کارخانه بود.

مسئله دیگری که در مورد این رفقا قابل ذکر است اینست که چون مبارزه آنها به یک مبارزه طبقاتی همراه با نوده‌ها، بلکه مبارزه‌ای روشنفکرانه و جدا رتوده‌ها بود، به آن بطور جدی برخورد نمی‌-

سببه از صفحه ۴

از جناح ...

که برای بهرکردن وضع کنساروزی طرح بدهند. این طرح و سرری به روز بطول می‌انجامد. روز آخر این جلسه (۵۸/۱۱/۲۸) مصادف بوده با روزیکه بر دای آن شورای مرکزی انتخاب می‌گردید. چون عکبریه و عوام مل مرتجع دیگر احتمال قوی میدادند که به نفرا زما بندگان کارکنان در شورای مرکزی انتخاب خواهند شد، دست به توطئه می‌زنند. آنها در آخر جلسه معنا وین مختلف سه نفر مزبور را نگه می‌دارند تا دیگران بیرون بروند. کسانیکه از جلسه بیرون می‌آمدند دیده اند که با ساداری در کنار خیابان و به سادار نیز سوار بر بلندور رکشت و صنعت که در همان نزدیکی پارک شده بود، قرار داشتند. بعد از رفتن حفا ربا ساداران که قبلا در آنجا کمین کرده بودند نما بینده‌ها را رتوده و با خود می‌برند. دوستان سه نما بینده‌ها فردا صبح به انتظار می‌نشینند ولی خبری از آنها نمی‌شود تا بالاخره یکی از کارمندان خبر می‌دهد که فلانی‌ها را با ساداران گرفته و با خود برده‌اند. آنها به سادار شهرک کشت و صنعت که کما ملا در اختیار ساداران گذاشته شده است مراجعه میکنند ولی با ساداران اظهار بی اطلاعی می‌نمایند. ولی بعد از بر ملا شدن این مسئله که نما بیندگان بوسیله

کردند. مثلا پس از اینکه آنها را از کارخانه اخراج کردند، بجای نگرانی، شور و علاقه برای برگشتن به سرکار درجا بر خورد های منفعلانه شدند. معمولا وقتی روشنفکران کارشان را از دست می‌دهند، آسیبی آنچنانی به زندگی‌شان وارد نمی‌شود. در صورتیکه، کارگران و زحمتکشان در چنین حالتی با هشاری، نگرانی، با شور و علاقه و با احساس بخطر افتادن زندگی‌شان در صورت شکست، با آن بطور جدی برخورد می‌کنند.

بهر حال برخورد های کنش‌دار و منفعلانه رفقا با عدت دل‌سردی و نومیدی کارگران مترقی و چپ‌گشته و سندیج تعدادی از آنها با دادن تعهد به سرکار بر می‌گردند! و این شکست دیگری برای آنها محسوب می‌شود. کارگرانی که بداخل بر می‌گردند، می‌گویند: "اینها ما را اغفال کرده بودند"!!

رفقای می‌توانستند با توجه به وضع مالی بدی که کارگران داشتند، مسئله آنها را در جمع خود مطرح کنند و آنها را آگاهان به نواصمیم خودشان به درون بفرستند، و با این عمل گذشته از جلوگیری از سر خوردگی کارگران اخراجی، به کمک آنها بکار تبلیغی و توضیحی برای جلب حمایت و پشتیبانی کارگران تا غل بپردازند.

این مسئله نشان می‌دهد که این رفقا، حتی با کارگران اخراجی که جز خودشان نبودند نیز کپان توضیحی و آگاهان به نواصمه اندازه کافی نکرده‌اند. کارگرانی که در آغاز مبارزه خود را درست و بحق می‌دانستند، در آخرین روزها در حالیکه دل‌سرد و نومید شده بودند حرکت خود را با دست‌ها گرفته و عقیده داشتند که این سفره بازی است، نه مبارزه! کارگرانی که اگر آموزش لازم می‌دیدند، بی شک به عنان کمونیست تبدیل می‌شدند.

اشتباه دیگر رفقا این است که با وجود موافقت شور، حاضر به تعهد دادن و بازگشت اکثریت قریب به اتفاق کارگران به سرکار نشدند. آنها تعهد دادن را نوعی خیانت به کارگران دانسته و معتقد بودند که بین کارگران سرافکننده می‌شوند!

سپاه ساداران رتوده شده اند و فشار آشنایان، سپاه ساداران پارسی آبا دیده دستگیری نما بیندگان اعتراف می‌کنند ولی بهیچ وجه اجازه ملاقات داده نمی‌شود. در طی مدت دستگیری این افراد خانوادها ی آنها کما ملا بی اطلاع بوده و در توشی و ناراحتی بسر برده‌اند. مثلا خواه روزی در یکی از نما بیندگان رتوده شده که به محفل اندر طی این مدت گرسنه در خانه به انتظار برادر خود نشسته بودند! دوستان به ترتیبی موفق می‌شوند حدود یک دقیقه دو نما بیندگان را ببینند. با ساداران دو نفرا در یکجا و نفروم را که احتمالا شکنجه کرده اند در جای دیگر حبس نموده بودند. بعد از مدتی سیل کارکنان و اقوام آنها بطرف مقر سپاه ساداران شروع میشود، ولی با ساداران بهیچ وجه اجازه ملاقات نمی‌دهند و آخر می‌گویند: دستگیری این افراد هو تفاهت یافته و بدین جهت یک ساعت دیگر آزاد خواهند شد. بعد از سپری شدن یک ساعت مردم خواستار آزادی و ملاقات با آنها می‌شوند ولی این بار مسئولین سپاه جواب می‌دهند که: از اینها اسلحه گرفته‌اند و کارشان خیلی مشکل است. بدین جهت امکان ملاقات املا نیست، ولی تحت فشار اقوام و آشنایان افراد رتوده شده، مسئولین سپاه می‌گویند که: فردا ۵۸/۱۲/۱ ساعت ۸ صبح میتوانید به ملاقات سبباید

نه رفقا! این برخورد مشخص با شرایط مشخص نیست. زما نیکه کارگران مخالف برگشت شما بودند، تعدادی از شما شکست بحساب نمی‌آمد. بلکه بشما می‌آموخت که هرگز حرکات شما بزرده جدا از نوده ننمایند. بشما می‌آموخت که کارگران را تنها با کار تبلیغی ترویجی صورانه و قانع کننده و با حرکت از خواستها و نیازها نشان می‌توان بحرکت درآورد، نه با اعمال منفرد و جداگانها! در حالیکه کارگران مخالف و یا بی تفاوت نسبت به بازگشت شما هستند، مسئله را طوری تجزیه و تحلیل میکنید که گویا شما پرچمدار مبارزات آنان بوده‌اید و در اوج مبارزات آنها از صفیان خارج شده‌اید، از اینرو آنها شما را خیانتکار دانسته و طرد می‌کنند!

مسئله مهمی که با بد ذکر شود اینست که ما صحبت و تقمیک حرکت را در پیروزی و یا شکست کوتاه مدت آن نمی‌دانیم. آنچه که مهم است جنبه دراز مدت و اصولی بودن آنست. از این روا کر حرکت این رفقا با پیروزی نیز همراه می‌شد، یعنی آنها به کارخانه بازمی‌گشتند. با حرکت آنان غیر اصولی، انحرافی و جدا رتوده بود.

ذکر این نکته بخصوص از آن جهت اهمیت دارد که با نگرش راست روانه‌ای که شکست این حرکت را دستاویزی برای دنباله‌روی از کارگران و تحریک بخشیدن به مبارزات آنان قرار میدهد، مرز بندی می‌نماید.

ما با بدیدون دنباله‌روی از کارگران خواست- های آنان را ارتقاء داده و در سراه انداختن مبارزات نوده‌ای و نه جدا رتوده ورهبری و هدایت آنان بکوشیم. شکست این رفقا بشرط درس آموزی از آن می‌تواند نطفه پیروزی های آینده مبارزات کارگران گردد. با شکست با نغی دیالکتیکی شکست، آسرا به عامل پیروزی بدل سازیم و با درس آموزی از این انحرافات و شکستها راه پیروزی مبارزات آینه‌سده کارگران و زحمتکشان را هموار نماییم

و فردا که مراجعه میشود سپاه تمام وقاحت جواب می‌دهد که آنها را بدست به اردبیل فرستادیم بعد از مراجعه به دادگاه انقلاب و سپاه ساداران اردبیل آنها نیز بطور کلی اظهار بی اطلاعی میکنند. خبرهای جنبه و گریخته انتشار می‌یابد که رتوده شده‌ها را به تبریز یا متکین شهر برده‌اند. در تبریز نیز بعد از سه روز مراجعه به زندان و دادگاه انقلاب هیچ اثری از آنها بدست نمی‌آید و بالاخره در تبریز نیز جواب صریح می‌دهند که چنین کسانسی اینجا نیستند و تا امروز (۵۸/۱۲/۵) هیچ اثری از نما بیندگان کارگران و کارمندان در هیچیک از شهرهای نامبرده نیست.

ما از مردم مبارز ایران، از این قدرت نا تمام از این قاضی عادل می‌خواهیم نه فقط برای آزادی این نما بیندگان بلکه برای کوتاه کردن دست این حامیان سرما به‌داران و وابسته‌ها اقدام نمائیم. ما تنها و تنها از ملت انقلابی خود استعدا می‌جوئیم.

جمعی از کارگران و کارمندان کشت و صنعت دشت مغان

رونوشت برای هفته نامه های کار، پیکار و مجاهد
★★★

محاكمه محمدتقی شيرام در آستانه انتخابات توطئه‌اي پيش نيسنت

مجاهدين خلق معرفي نمايند؟ آيا كساني كند در زمان شاه دلالي و بورس بازي زمين دري ميگيرند شدن بودند امروز مي توانستند امري كه مربوط به يك سازمان انقلابي است دخالت نمايند؟

اما بديرازاين قبا فحق بجا نيب گرفتن حزب جمهوري اسلامي، نوشته‌هاي زهرآگين اين حزب در روزنامه خود عليه ما ركيسنت هاست. در رابطه با محاكمه محمدتقي شيرام روزنامه "ما كيا وليستنه‌اي مقدس ما با اورا سيواتين هاي وطني! تلاش ميكنند در ذهن مردم اين استدلال را فرورده كه ما ركيسنت يعني "ملحد"، و "ملحد" هم همان كسي است كه مبدور... الدم مي باشد. يعني خوش حلال است! آيا اين تاري گشت به قرون وسطى و جنگهاي طليبي نيسنت. آيا اين را سيويتين ها ديوانه و اورا زهم دري ايجا دجك مسلمان وكا فرستند كه يك چشمه زان را در كردستان ديديم و چشمه ديگر را در گندم؟ جنگي كه جز وسياست - هاي آمريكا است.

واما يك چيز ديگر وحشي مهم ترو آن اينكه در اين ميان آقاي بنى صدر چكاره است؟ او كه بقول خودش منظور كه تا بحال وانمود كرده است مخالف اينگونه شيوه هاست چكار مي كند؟ آيا او مخالف محاكمه محمدتقي شيرام در آستانه انتخابات است؟ اگر هست پس چرا اعلام نيسنت؟ آيا او پسران نشان دادن "ده دردم" از قاطعيت خود در گندم كه منجر بسند كشتا ز خلق تركمن و رهبران آن شده است باز هم مي تواندمودنيا به چهره واقعي خود را در پوش ننگه داريم او در مقابل اين سوال كه چرا در عرض ۶ ماه تمام محمدتقي شيرام در زندان انفرادي و در بيد تريبون شرايط جسمي و روحي قرار داده شده و تا احازه نيافته براي بيكيا رهم كه شده با غنا و ده اش ملاقات كند، چه پاسخي دارد؟ آيا او در اين مدت عضو "شوراي انقلاب" ومسئول در برابر نظامي مملكت ده‌اي اجرائي شيوه است

مسموم و تبا خود به ذهن وانديشه آنان ميسادرت ووزند. محاكمه شيرام در اين شرايط حساس هيج هديني جز مقابل با تبا نيروهاي انقلابي ميهن رزمند - كان سازمان مجاهدين و انقلابيون ما ركيسنت - لنينيسنت در بريندا شده و ندارد. ارتجاع زخم خورده مي كوشد تا بدين ترتيب ذهن توده ها را نسبت به پيشروان رزمنده اش مغشوش نموده و از اين رهگذر به انزوای آنها پرداخته و راه را براي تصرف چند كرسى پارلمان توسط خودش هموار سازد...

هيا هوي تسليفا تي كه اين روزها روزنامه جمهوري اسلامي ارگان اين حزب براه انداخته و به بزرگ كردن هر چه بيشتر جريان محاكمه شيرام و آه و ناله عوام مغربيا نه براي انقلابيون شهيد - "شريف واقفي" و "ممد به ليا ف" سر داده است همه وهمه تبارزان حركت طلبانه است.

لذا ما ضمن هشدار به كليبه توده‌هاي انقلابي و مبارزميهنمان، به سازمان مجاهدين خلق ايران، به غنا و ده شهداي اين سازمان، بخصوص به خانواده - هاي شهدا، شريف واقفي و ممد به ليا ف و كليبه نيرو - هاي مبارز و دموكرات، از آنها مي خواهيم كه با جوشباري تمام دست به افشاي توطئه‌هاي خائسانه اين رسوا شدگان معلوم الحال زده و در اين مرحله

محاكمه محمدتقي شيرام در آستانه انتخابات مجلس شوراي ملي آغاز ميگردد. اين محاكمه كه بطور حساب شده اي براي تسليفات عليه ما ركيسنت - لنينيسنت ها و از جمله سازمان ما و همجنين سازمان مجاهدين خلق ايران صورت ميگيرد يكبار ديگر چهره ما كيا وليستنه‌اي هيشت خا كهم را كه در حزب جمهوري اسلامي ... لانته كرده اند، زير پده ميرون مياندازد. روزنامه حزب جمهوري اسلامي در اين ميان آشكارتر و عريان تر از هر كس ديگري اهداف پليد خود را به نمايش مي گذارد. و با استدلالات قرون وسطايي و كهينه پرستانه و بوسيده خود كوش ميكنند كه با پيرا هين عثمان كردن جريانات دروني يك سازمان انقلابي به خونخواهي مجاهدين شهيد شريف واقفي و ممد به ليا ف بشنيدند، در حاليكه خود امروز با چماق داران و شعبان بي مخ هاي جديد نظيرهاي غفاري وساواكي - ها و لومين هاي كه به خدمت خود در آورده است در حق مجاهدين خلق از هيچگونه آزار و اذيت و فشار و حتى كشتا ز فرورگذا رنميكند (ما ركيسنت ها هم كه جاي خود دارند) .

شايد اگر چنين نمايشي چند ما پيش با جيرا درمي آمد بسياري از توده ها گول قبا فحق بجا نسب حزب جمهوري اسلامي و امثالهم را مي خوردند اما امروز چي؟ آيا امروز كساني كه در ستان به خون - مدها تن از خلقهاي كرد و تركمن و عرب و ... لسوده است ميتوانند چنين وانمود كنند كه دلشان بسياري سازمان مجاهدين خلق ميسوزد؟ آيا كساني كه بي - شرمانه ترين اتهامات را به سازمان مجاهدين خلق مي زنند و مسعود رجوي مبارز با اميران نظام خائن يكان مي گيرند، مي توانند خود را دوست مجاهدين خلق وانمود سازند؟ آيا كساني كه مجاهدين را زنداني مي كند و بعدا ز طريق تريبون ها و وسايلي كه در اختيار دارند عوام مغربيا نه توده ها را عليه مجاهدين تحريك مي كند مي توانند خود را دوست خلق و دوست

سرمه داران ما كيا وليست و فريبكاران حزب كه براي رسيدن به اهداف پليد و ضد خلق شان از توسل به هر دستا ويزي كوئاي ندارند و آشكارا هر وسيله‌اي را با هدف توجيه مي كندند، امروز ببحوي هر چه فاسيستي تر كشان انقلابيون و تا بودي مخالفان خود را در دستور قرار داده اند. سرمه داران اين حزب از طريق ارتجاع حاكما زيكو ميا هان زنده و رزمند - كان ساليان دراز ما هيا در زندان نگاه داشته و عليه هم رزمان ديگر آنها توطئه مي كند و از سوي ديگر تحت نام خونخواهي مجاهدين شهيد، هر روز صحنه‌اي ديگري آفريزند.

ترتيب محاكمه محمدتقي شيرام در آستانه بر - گزارى انتخابات مجلس بطور مشخص از جمله كا را كتر - ها و صحنه پرديزهاي خائسانه و عوام مغربيا نه اين - دارو دسته ما كيا وليست و مرتجع است. آزان مي - خوادهند و شيداي كوشند كه با تشكيل به اصطلاح داد - گاه در اين شرايط و در واقع با ترتيب همان بيهاد - گاهيهاي ضد خلقى شا هشا هي با زهم به مغشوش كردن ذهن توده ها و بديبين كردن آنان نسبت به نيروهاي انقلابي و مبارز ما بيهودا زند.

آنان با محاكمه شيرام مي خوادهند توده‌هاي تا - آگاه را هر چه بيشتر در لاک توهما ت خود فرورده و سر - پا به آگاهي آنان به فرورويختن هر چه بيشتر افكار

آغاز محاكمه محمدتقي شيرام در آستانه انتخابات و فشا رهاي روحي و جسمي كه در مدت ۶ ماه اخير به او وارد آورده اند، بحق صدای اعتراض نيروهاي انقلابي و مترقي را بلند كرده است. در اينجا قسمت - هائي از اعلاميه "كميته پشتيباني از انقلابيون و مبارزان زنداني" را ملاحظه مي كنيد:

توده‌هاي رزمنده و انقلابي!

خانواده‌هاي انقلابيون شهيد!

انقلابيون ما ركيسنت -

لنينيسنت!

از قبا م شكوه مند بيهن ما كه منجر به درهم ريختن پا يه‌هاي رژيم ديكتاتور فاشيستي رژيم محمدرضا شاهي شد و به نكسته شدن ديوارهاي مخوف زندانها و شكستگاه هاي قرون وسطايي رژيم شاه خائنانجا ميدان نشي نكند شده بود كه هيشت خا كهمه جديد براي مقابله با مبارزان دموكراتيك و عا دلان توده ها و سر كسوب نيروهاي رزمنده و مبارز به با زياي ارگانهاي اعمال قهر ارتجاعي خود، ارتش، ساوا، ما، پليس و برگردن زندانها ارتعنا صرا انقلابي پرداخت.

حمله چماق داران به نظا هرات و تحمض هاي كار - گري و نيروهاي مترقي، حمله هانت آميز و فاشيستي عتا مرتجع و ضد انقلابي به خانواده شهدا و تحمضهاي آنها، ترور بعضي از عتا صرمبار زوا انقلابي در شهران و شهرستانها و با لايحه دستگيري و شكست عده زيا دي از مبارزين و انقلابيون شناخته شده از جمله عملكردهاي اين حاكمان جديد بود.

محمدتقي شيرام عضو همري سابق بخش منشعب از سازمان مجاهدين خلق ايران نيز در زمره افرادي بوده كه توسط عتا صرم معلوم الحال رژيم بورجوا - سياستي با دنده دستگير شده و تا بحال كه حدود ۸ ماه از دستگيريش مي گذرد، هيج گونه اطلاع دقيقي از سرنوشت او در دست نيسنت و حتى خائسانه وي موفق به بيك بار ديگر رهم باوي نشده است.

اخباري كه تا بحال از سا هيا چالهاي "جمهوري اسلامي" به ميرون نفوذ كرده، خاكي از آنست كه در اين مدت اين مبارز قديمي تحت شديد ترين فشارهاي جسمي و روحي قرار گرفته و مرتجعين جمهوري اسلامي، اين كارگزاران جديد سرما به بارها و بارها بخصوص در مورد ردي كه مسائلي حاد در جامعه جريان دانشه است برا و فشار آورده اند كه بر عليه نيروهاي مترقي و انقلابي، از جمله سازمان مجاهدين خلق ايران و نيروهاي ما ركيسنت - لنينيسنت موقع گيري نمايند، كه او تا بحال به اين خواست ضد خلقى آنها پاسخ منفي داده و تمام شكستگاه هاي رواني آنها را از جمله ساختن صحنه‌هاي تصنعى متعدد اعدام... تحمصل كرده است.

و امروز ما شا هدهستيم كه در آستانه انتخابات و در زماني كه نيروهاي مترقي و مبارز مردمی در حال بسيج عمومي براي افشاي نشان دادن ماهيت كارگزاران جديد است "حزب جمهوري اسلامي" و عملال شناخته شده سرما به در و قق پا ره ارگان اين حزب دست بيك سري تسليفات و بسيع تر عليه نيروهاي خلقی زده و حتى در پشت ماسك دفاع از مجاهدين، حملات خائسانه‌اي را عليه اين نيروهاي مبارز و منجمله مجاهدين و انقلابيون ما ركيسنت - لنينيسنت شروع كرده است.

گرامی باد خاطره رفیق شهید هایده (حوریه) بازگان



- آشنائی و هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران ۱۳۴۹
- فعالیت افشا گرانه و آگاه گرانه توده ای همراه
- با خانواده های زندانیان سیاسی ۱۳۵۰
- ادامه فعالیت مبارزاتی در خارج کشور ۱۳۵۲ - ۱۳۵۴
- مبارزه هم دوش با خلق فلسطین و خدمت در هلال احمر فلسطین
- در جریان جنگ لبنان و فرار گرفتن، رموض مارکسیستی لنینیستی ۱۳۵۴
- ادامه مبارزه در جبهه نبرد انقلابیون عمانی با ارتجاع و
- امیرالایسم و کار در دفتر سازمان در عدن ۵۵ - ۱۳۵۴
- بازگشت مخفانه به ایران و شهادت : نیمه اسفند ۱۳۵۵

دست امیرالایسم، صهیونیسم و ارتجاع از منطقه ما قطع خواهد شد. این پیروزی حتمی و اخلاقیای قهرمان منطقه تضمین خواهد کرد.

ایران آمده و با وجود آنکه به تهران رسیدند ولی سر قرارهای ارتباطی خود را فراموش نکردند. اطلاعات بعدی نشان داد که آنها خود را در دام پلیس تشخیص داده و سعی کرده اند مجدداً از کشور خارج شوند ولی در نزدیکیهای مرز بازگان به دام پلیس دژخیم شاه افتادند به شهادت میرستند.

با درفیق حوریه بازگان و همزمش رفیق مرتضی خاموشی را گرامی می‌داریم. آنها با عمل انقلابی خود، با فداکاری و از جان گذشتگی خویش نشان دادند که تا چه اندازه به آرمان زحمتکشان وفا دارند، تا چه اندازه علیه امیرالایسم و رژیم دست نشانده آن و کلیه مرتجعین کینه دارند و آماده اند که در راه مبارزه جهت برکندن ریشه دشمنان خلق خون خویش را تقدیم دارند.

رفیق حوریه بازگان از جمله زنان انقلابی میهن ما است که دشواریهای طاقت فرسای مبارزه در آن سالهای سیاه را با جان خرد و چشم به دمیدن صبح پیروزی زحمتکشان و بسویزه طبقه کارگر داشت. رفیق یکی از افتخارات زنان زحمتکشان ایرانی در راه رهایی ازستم طبقاتی، ملی و اجتماعی است. زندگی انقلابی او و شور و عشق او به خلق برای مادرش بود، خاطرهای گرامی باد.

رفیق شهید حوریه بازگان در سال ۱۳۴۳ در خانواده‌ای متوسط در مشهد متولد شد و در همین شهر تحصیلات ابتدائی خود را سپری کرد. آشنائی او با مسائل سیاسی از طریق خانواده و نزدیکی اش صورت گرفت از همین طریقی بود که پس از انتقال به تهران سازمان مجاهدین خلق ایران را شناخت.

در سال ۴۹ در مدرسه دخترانه رفاه مکاربرد اخت و باستانی‌هایی که برخی از اعضای سازمان مجاهدین داشت غلامبندی او به مبارزه انقلابی بستند. پس با واک سازمان مجاهدین در اول شهریور ۱۳۵۰ و دستگیری دهیانی از اعضای ورهبران سازمان حرکت مبارزاتی قابل توجهی را پس بقیه اعضا و هواداران موجب شد. رفیق حوریه بازگان همراه با خانواده زندانیان فعالانه در فضای جنابات رژیم شاه شرکت داشت و سفرهای متعددی به شهرستان‌های مختلف و تماس با مردم و تریخی شخصیهای اجتماعی آروز نمود و در بیخ نیروها بیخ جنبش انقلابی و کارآگاهان و افکارا به علیه رژیم خدمت کرد. تا سال ۵۲ رفیق حوریه بعنوان نماینده سازمان علمی سازمان مجاهدین فعالیت میکرد. در زمستان ۵۲ بیوسه ماه از عازم خارج کشور شد و در بخش خارج از کشور سازمان با اجرای وظایف انقلابی خود پرداخت.

در بهار و تابستان ۵۴ چندین ماه در لبنان در سازمان هلال احمر فلسطین خدمت کرد. در آن زمان جنگ داخلی در این کشور، برای سرکوب جنبش انقلابی فلسطین و نیروهای مترقی لبنانی شدت جریان داشت و رفیق حوریه با اشتیاقی انقلابی به این وظیفه خویش ادامه داد. رفیق فلسطینی که او را دلایل امنیتی بنام فاطمه اهل افغانستان می‌شناختند مصممیت انقلابی او را با طرد دارند. رفیق حوریه طی مصاحبه‌ای که با یک مجله ترفی- خواره لبنانی در همان زمان با نام مستعار داشت وضع خود را چنین توصیف کرد:

"ما انقلابی هستیم و در راه‌های خلق خویش از جنگال امیرالایسم و ارتجاع مبارزه می‌کنیم. جبهه نبرد فلسطین و لبنان در برابر آمریکا، اسرائیل و ارتجاع با جبهه نبرد در میهن ما یکی است. ما دشمن مشترکی داریم و با خلقهای قهرمان فلسطین و لبنان در یک سنگرمی‌کنیم. ما با بدد عمل ثابت می‌کنیم که پیروزی خلقهای ما بر دشمنان ما هم بیوندنا گمستن- دارد. مبارزه دوشا دوش خلق عرب و علیه دشمن مشترک و وظیفه ما است و ما به انجام این وظیفه افتخار می‌کنیم زیستن، جنگیدن و شهادت در کنایه خلق فلسطین برای ما حکیمک وظیفه و یک آرمان را دارد. اردوگاه فلسطینی‌ها در محله صبرا که خانه من در آنجا است را ما نندوختن خودم دوست دارم و یقین دارم که روزی

رفیق طی براتیک انقلابی خود او آموزشهای بخش منشعب از سازمان مجاهدین در موضوع مارکسیستی لنینیستی قرار گرفت و در پانزده ۵۴ پس از شهادت رفیق رفعت افرا در ظفار، از طرف تشکیلات انقلابی خود، برای مشارکت در مبارزه خلق قهرمان عمان به جبهه مبارزه زندانیان اعزام شد و در همان زمان که هوا بیماهای ارتش تاج و زگرشا و روستاهای بیمن دمکراتیک و کلیه‌های خلق ستم دیده‌ها و مواضع انقلابیون عمانی را در معرض حملات خود قرار میداد، همراه رفیقانی دیگر منجمله رفیق شهید محبوسه افرا از خدمت به انقلاب منطقه تلاش میکرد و نمودی از بیوسه زندیک و برادران خلق ما با خلقهای ستم دیده عمان و بیمن بود. رفیق انقلابی عمان او را با نام فریده می‌شناختند.

در همین مدت، کار اجرای برنامه فارسی رادیو جبهه خلق برای آزادی عمان از عدن، بمبده او و اکدا ر شد و حدود یکسال به این وظیفه عمل میکرد و سرانجام در ادامه مبارزات انقلابی خود و پس از پشت سر گذاردن یک دوره آموزش و براتیک انقلابی در رابطه با انقلابیون منطقه، همراه با رفیق شهید مرتضی خاموشی به ایران بازگشت. آنها با مقادیری سلاح و مدارک تشکیلاتی مخفیه از راه ترکیه به

توضیح و تصحیح

۱ - در شماره قبل در تاریخ گذاری نشریه بجای ۶ اسفند، ۷ اسفند نوشته‌ایم که با عرض پوزش تصحیح می‌کنیم.

۲ - در شماره قبلی نشریه در مقاله "مجا هدیسن در دام توهمات لیبرالی" در رابطه با نحوه برخورد مجا هدیسن با آمده بود که (بویزه) اینکه در حال حاضر تحریف وقایع و دروغ‌نویسی کم و بیش بیک شیوه رهبری مجا هدیسن تبدیل شده است) در اینجا منظور ما نحوه برخورد این سازمان با مسائل درونسی سازمان مجا هدیسن از سال ۵۴ - ۵۲ و بخش منشعب می باشد و نه چیز دیگر. بدین وسیله برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم و سوءاستفاده‌ها کید می‌شود.

۳ - در پیکار شماره ۴۳ بجای عکس مربوط به صفحه ۵ ویزنه ما قیام ۳۰ بوا سله اشتباهی پیوست عکس که چند خط عربی است چاپ شده است.

فعالیت هواداران سازمان، در خارج کشور

هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر در خارج از کشور، در ادامه فعالیت‌های مبارز - اشی خود برای معرفی جنبش انقلابی و کمونیستی میهن و در دفاع از جنبش دمکراتیک - فدا می‌ریس - لیستی و جنبش انقلابی کارگران اخیراً دست‌نترجمه مقالاتی از هفته‌ها می‌بیکار به زبان انگلیسی زده - اند. ما این اقدام رفقا را خدمتی در راه گسترش جنبش انقلابی و کمونیستی ازبانی کرده و با سپاس امیدواریم این رفقا هم در زمینه معرفی جنبش ایران و هم در ادامه عرضه دستاوردهای جنبش انقلابی و کمونیستی جهانی به زحمتکشان ایران موفق باشند.

نان مسکن آزادی

معرفی کانديد سازمان در بندرانزلی



رفیق مسعود پورکریم

رفیق مسعود پورکریم در سال ۱۳۲۶ در بندر انزلی و در خانواده‌ای فقیر چشم به جهان گشود. از همان ابتدای نوجوانی بخاطر سرکوب حنا بنکارانه مبارزین ازمالیهای ۳۲ بعد، که سرخی از افوا م و آسایان رفیق را نیز در بر می گرفت با مسائل سیاسی و جنبات رژیم آشنائی پیدا کرد. در دوره دبیرستان با شرکت در جلسات مذهبی - سیاسی به مسائل و دردهای جامعه آگاهی بیشتری یافت و با کسب آگاهی سیاسی و توجه به اینکه خود نیز با سختی و رنج آشنائی داشت، هر چه بیشتر عشق به زحمتکاران را در دل خود می پروراند. عشق به کارگران، عشق به صیادان رنج کشیده بندرانزلی که همواره در زیر سرکوب و ستم حکمه پوئان و مزدوران شیلان قسرار داشتند.

پس از پایان دوره دبیرستان بعنوان سپاهی دانش یکی از دهات اطراف شهرستان نقره رفت. آن دوره همزمان با سرکوب خلق کرد از جانب رژیم شاه تا به مؤذور بود. رفیق در اینجا نیز با زحمات بسیار و اختلاف طبقاتی و فقر زحمتکاران در جامعه بود. و خود را هر چه بیشتر برای مبارزه علیه ستم و رژیم که باعث این دردها و رنجها بود آماده میکرد. پس از پایان این دوره، رفیق در شرکت فیلمین شعبه گیلان استخدام گردید. در اینجا نیز با مسئولیت از نزدیک با آنچه قیلا راجع به آن مطالعه کرده بود، یعنی سرمایه داری وابسته و ما هیبت انگلی آن، بهتر آشنا گردید و در شنیدن رگوتها تنگنا دمصرف را در مقابل فقرتوده‌های خلق مشاهده نمود. در این دوره و پیش از هروقت دیگر بندر انزلی را هجی و انقلابی مبارزه می گشت و سرانجام در بهار سال ۵۵ گمشده خود را یافت. در این زمان او توانست به همراه محفلی که در آن کار میکرد با سازمان مجاهدین خلق ارتباط برقرار کند. و تحت آموزش این سازمان قرار گیرد. پس از شهریور سال ۵۵ و ضربه پلیس به سازمان با اینکه

بیشتر از چند ماه از ارتباط او با سازمان نمی گذشت بدستور سازمان در بهار شیزه‌ها ن سال مخفی شد، و به عنوان یک انقلابی حرفه‌ای دوره نویسی از مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته شاه

- در سال ۱۳۲۶ در بندر انزلی متولد شد.
- در بهار سال ۱۳۵۰ با سازمان مجاهدین خلق تماس گرفت.
- در آبان سال ۱۳۵۰ مخفی و مبارزه علیه رژیم شاه را بطور حرفه‌ای آغاز کرد.
- تا سال ۱۳۵۳ در عملیات نظامی نظیر عملیات انفجاری در اعتراض به سفر سلطان قاپوس به ایران و بانک عمران (شاه) شرکت کرد.
- در جریان تغییر و تحولات درونی، ایدئولوژی طبقه کارگر را قبول و به بخش منشعب پیوست.
- از آبان سال ۵۳ تا آبان سال ۵۴ برای ارتباط با کارگران در کارخانه‌ها کار کرد.
- در کارخانه‌های پلاستی ران، صنایع فلزی طاهری، ایران سو بیج، تولیدی پارس مثال، کفش وین، کفش بلا به همراه هزاران کارگر دیگر به کار پرداخت.
- در زمستان سال ۵۵ با مأمورین گشت کیمیتنه با اصطلاح ضد خرابکاری در گریو پس از زخمی کردن یکی از مزدوران موفق به فرار شد.
- در قیام بهمن سال ۵۷ بطور مسلحانه و در کنار خلق علیه رژیم سلطنتی وابسته جنگید.

حاشن و استقامت روستم طبقاتی را آغاز کرد. در ابتدای شروع مبارزه مخفی، رفیق بدلیل ملاحظیت در کار رکنیکی - نظامی مسئولیت هاشی در این رابطه معینده گرفت. و تا سال ۵۳ در عملیات نظیر عملیات انفجاری هنگام ورود سلطان قاپوس پادشاه مزدور عمان به ایران، انفجار بانک عمران متعلق به بنیاد دپهلوی (شاه) شرکت کرد.

رفیق در جریان تغییر و تحولات درونی سازمان با تکیه بر تمامی دسنا وردهای مبارزاتی خود و با ایمان به این حقیقت که تنها ایدئولوژی طبقه کارگر می‌تواند چراغ راه آزادی و استقلال واقعی خلق و مجوام ستم را در جامعه کرده، به بخش منشعب پیوست. از این پس او با هدف کار سیاسی - تشکیلاتی در میان کارگران به کارخانه رفت، و مدت زیادی را در رابطه نزدیک با کارگرانی که در کنار کوره‌های ذوب فلزات و در زیر سقفهای برود و دریدترین شرایط کار، به تولید می پرداختند، کار کرد. از آنها آموخت و تجارب خود را در اختیار سازمان گذاشت.

رفیق پس از آبان سال ۵۳ تا بهار سال ۵۵ و در بدترین شرایط امنیتی در حالی که مانند دیگر رفقای مخفی سازمان مورد پیگرد شدی ما مأمورین ساواک قرار داشت، در کارخانه‌های پلاستی ران، صنایع

فلزی طاهری، ایران سو بیج، تولیدی پارس مثال، کفش وین و کارخانه کفش بلا به همراه هزاران کارگر دیگر به کار پرداخت و بدین ترتیب به کار سیاسی - تشکیلاتی سازمان در رابطه با طبقه کارگر و در حدی که منی حاکم بر سازمان اجازه می داد کمک نمود. این دوره برای رفیق آموزشهای گرانبهای را در بر داشت. این دوره از او یک مبارز جدی و مقاوم ساخت. در این دوره رفیق با آراش تحلیل‌ها و مطالعات خود در میان کارگران کمک زیادی به شاخه کارگری سازمان می نمود.

در زمستان سال ۵۵ رفیق مسعود پورکریم در خیابان هفت جنار (پارسا ک) تهران مورد سوءظن مأمورین گشت کیمیتنه به اصطلاح ضد خرابکاری قرار گرفت. مأمورین که قصد دستگیری رفیق را داشتند با آتش تلیک رفیق مواجه شدند و موضع دفاعی گرفتند. رفیق مسعود پورکریم در جریان این جنگ و گریز موفق شد از زخمی کردن یکی از مأمورین مزدور کیمیتنه داغ دستگیری خود را بردارد. آنجا در دو عالم از صحنه فرار کند. و در جریان مبارزه ایدئولوژیستیک درون سازمان که از آغاز سال ۵۶ علیه نقطه نظرات نادرست درون سازمانی آغاز گردیده بود، فعالانه شرکت داشت و پس از موفقیت این مبارزه در درون سازمان پسکار در راه آزادی طبقه کارگر به فعالیت خود ادامه داد. رفیق مسعود پورکریم در قیام بهمن سال ۵۵ بهمن ماه در کنار خلق و بطور مسلحانه حضور داشت. روز ۲۳ بهمن رفیق هنگام حرکت در شهر و زمانیکه عازم کمک به رزمندگان خلق در یکی از مناطق تهران بود توسط مأمورین کیمیتنه اما به محل کیمیتنه مرکزی (مدرسه راه) جلب شد. مسئولین وقت دولت موقت، از رفتار نادرست رفیق سو استفاده کردند و او و رفیق دیگری را که همراه او بود خلع سلاح نمودند. آنها حتی سلاح سازمانی رفیق را که در زمان شاه با خون دل و ستار خون شهیدایمان بدست آورده بودیم از او گرفتند! و بدین ترتیب نشان دادند که دوست بیگانه جویان وفادار به خلق نیستند.

رفقای هوادار!
دوستان مبارز!
در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی
یکی از شروط موفقیت مادر پیشبرد
برنامه‌های سیاسی - تبلیغاتی خود،
حل مسئله مالی است.
کمک‌های مالی خود را از هر طریق
که میتوانید بدست ما برسانید.

مسائل انقلاب را تنها انقلابیون می‌توانند حل کنند، نه عافیت جویان



رئیس فاسم عابدینی
(سروگرد)



رئیس محمدخلیلی
(سفر)



رئیس شمس فاردی
(سند)



رئیس حسن احمدی روحانی
(تهران)



رئیس شمس ساسی
(تهران)



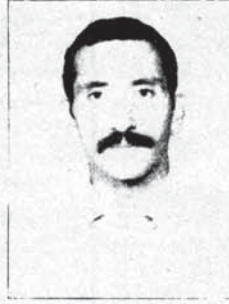
رئیس محمد میرزاجاری
(تبریز)



رئیس حبیب سدا احمدیان
(تبریز)



رئیس ستاری حمدرزاد
(تهران)



رئیس سروش (حسن) آلاسوس
(تهران)



رئیس موعود سوری
(سدر ارس)

برنامه کاندیداهای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در مورد:

(بنقل از ژورنوس برنامه حداقل سازمان)

- - تا مین مسکن رایگان، از طریق مصادره کلیه واحدهای بزرگ ساختمانی و اراضی شهری متعلق به سرمایه داران بزرگ و وابسته و کمک و سرمایه -
- - گذاری دولت انقلابی در این زمینه .
- - تا مین بهداشت و درمان رایگان .
- - تا مین آموزش رایگان از سطح کودکان تا دانشگاه و اجباری بودن آموزش تا پایان دوره راهنمایی .
- - اسکان عشا بیرون مین شرایط مساعد کار (کشا ورزی و دامداری و...) ، مسکن، بهداشت و آموزش رایگان برای آنها

پی ریزی نظام اقتصادی بر پایه منافع کارگران و زحمتکشان

- - وظیفه برنا مهربری اقتصاد، مالکیت و کنترل کلیه منابع و موسسات بزرگ مالی، صنعتی، کشا ورزی، معدنی، سازگاری و خدمات سرمایه و در اختیار دولت انقلابی خوا هد بود . دولت انقلابی موظف است که سمت گیری سوسیالیستی در اقتصاد را منظور پی ریزی تا لوده نظام سوسیالیستی آینده ا کید آ مراعات نماید .
- - حمایت از سرما به گذار ریهای کوچک در جا رچوب برنا مهربری اقتصاد دولت انقلابی و جلوگیری از ورود محصولات خارجی که امکان تولید آن در داخل وجود دارد .
- - اقدام فوری به برقراری نظارت و کنترل از طرف شوراهای انقلابی کارگران بر تولید اجتماعی و توزیع محصولات و نظارت بر تدوین قانون کار انقلابی .
- - مصادره اراضی، بنا عها، شهرها، قنوات و جا ههای آب متعلق به زمین داران و مالکین بزرگ و واگذاری آنها به شوراهای انقلابی دهقانان .
- - تا مین کمکهای مالی و فنی به شوراهای انقلابی دهقانان و خرید محصولات کشا ورزی از شوراهای با قیمت مناسب و جلوگیری از ورود کالاهای مشابه از خارج کشور .
- - تشویق خرده مالکان به ایجاد تعاونی های تولید و کمکهای لازم به آنها .
- - لغوشما می بدهی های دهقانان بدولت ، مالکین بزرگ و سرما به داران .

نامین حقوق و آزادیهای دمکراتیک برای خلق

- - بحسب آزادی تکمیل و فعالیت احزاب ، جمعیت ها و سازمانهای سیاسی انقلابی و مترقی .
- - بحسب آزادی تکمیل و فعالیت سندیکا ها ، اتحادیه ها و سایر سازمانهای صنفی و سیاسی مترقی و انقلابی .
- - بحسب آزادی اجتماعات ، تظاهرات ، راه پیمایی ، اعتصاب و تحصن برای نیروهای خلقی .
- - تا مین آزادی عمده ، مذهب ، زبان ، قلم و مطبوعات مترقی و انقلابی و رفع هرگونه تبعیض نومی و مذهبی .
- - تا مین برابری کامل حقوق زنان و مردان در کلیه زمینه های اجتماعی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی .
- - برابردادن هرگونه سهم ملی و ناسا ملی حق خلقها در تعیین سرنوشت خویش ، اتحاد و وظایف و برابردادن خلقها از طریق برقراری خودمختاری خلق - ها در جا رچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک به مفهوم واگذاری حق اداره کلیه امور منطقه به شورای مرکزی انقلابی خلقها ، بجز امور مربوط به برنا به - ریزی عمومی اقتصاد ، تجارت خارجی ، دفاع ملی و سیاست خارجی که به عهده دولت انقلابی مرکزی است .
- - تا مین حق رای همگانی ، مساوی ، مستقیم و مخفی در انتخابات نمایندگان شوراهای انقلابی خلق در کلیه سطوح کشوری .

نامین رفاه عمومی زحمتکشان (شهر و روستا)

- - ایجاد کارخانه و صنایع برای همه کارگران .
- - جلوگیری از کار اطفال و کهنسالان .
- - تا مین حداقل دستمزد متناسب با هزینه وسط زندگی .
- - تا مین حقوق اوقات بیکاری ، بیماری ، از کارافتادگی و بازنشستگی .
- - برقراری ۴۰ ساعت کار و روز تعطیل در هفته و یکماه مرخصی سالانه .